





















## آیا تفسیر بدون پیش فرض ممکن است؟

**رودلف بولتمان** ترجمه وحید صفری **بخش اول**



نوشتار حاضر که به قلم مثاله تفسیر آلمانی نگاشته شده به موضوع معاصر و امکان وجود پیش فرض در پیش فرضی آن اختصاص دارد. بولتمان در کمر اثری به شکل مستقل به تفسیر و لوازم و بایسته‌های آن پرداخته و این مقاله یکی از آنهاست. وی معتقد است اگر تفسیر بخوادہ بی هیچ پیش فرضی تفسیر کند، باید همچون لوح سفیدی قبل از تفسیر در نظر گرفته شود و چنین وضعیتی قابل تصور نیست. از سوی دیگر بر این باور است که تفسیر بدون پیش‌دوری و تعصب تنها

تفسیر بایسته است.

**مفسر لوح سفید نیست**

این سؤال که «آیا تفسیر بدون پیش‌فرض ممکن است؟» باید با «آری» پاسخ داده شود، اگر «بدون پیش‌فرض» به این معنا باشد: بدون آنکه نتیجه تفسیر پیشاپیش مفروض گرفته شود. به این معنا تفسیر بدون پیش‌فرض نه تنها ممکن، بلکه لازم است؛ اما به یک معنای دیگر، طبعاً هیچ تفسیری بدون پیش‌فرض نیست، چرا که مفسر یک لوح سفید نیست، بلکه با سؤالهای معین و به عبارت دیگر با طرح سؤالهایی به شکلی خاص، به سراغ متن می‌رود و از موضوع مطرح شده در متن تصور خاصی دارد.

۱-۱ این درخواست که تفسیر باید بدون پیش‌فرض باشد، در این معنا که نتیجه آن از قبل مفروض نباشد و یا فاقد پیش‌دوری و تعصب باشد، کمی نیازمند توضیح است. این خواسته قبل از هر چیز به معنای رد هر گونه تفسیر استعاری است. اگر فیلول در این نسخه قانون (قوانین خاص، ج، شماره ۲۶۰) که حیوان قربانی باید بی‌عیب باشد، باید روایی حکیم تأثیرناپذیر را می‌یابد، اگر پولس (سفر تثیبه، ۲: ۲۵) را به عنوان توصیه‌ای تفسیر می‌کند، که مبلغان انجیل باید از حمایت جامعه برخوردار باشند (قرتبان اول، ۹: ۹) و اگر در نامه برنابا (۷: ۹ بعد) ختمکاران مسیلموهج‌گانهٔ ابراهیم (پیدایش ۱۴: ۱۴) به عنوان پیشگویی صلیب مسیح تفسیر می‌شوند، روشن است که در چنین مواردی مفسر آنچه را که خود متن می‌گوید نمی‌شنود، بلکه اجازه می‌دهد که متن آنچه را که وی از قبل می‌داند، بگوید.

۲-۱ اما در مواردی که از تفسیر استعاری اجتناب می‌شود نیز گاهی تفسیر از طریق پیش‌دوری و تعصب هدایت می‌گردد؛ مثلاً جایی که پیش‌فرض ما این باشد که مَنی و یوحنا – دو تن از نویسندگان انجیل – به معنای رد هر گونه تفسیر استعاری نیستند، اگر فیلول در این نسخه قانون (قوانین خاص، ج، شماره ۲۶۰) که حیوان قربانی باید بی‌عیب باشد، باید روایی حکیم تأثیرناپذیر را می‌یابد، اگر پولس (سفر تثیبه، ۲: ۲۵) را به عنوان توصیه‌ای تفسیر می‌کند، که مبلغان انجیل باید از حمایت جامعه برخوردار باشند (قرتبان اول، ۹: ۹) و اگر در نامه برنابا (۷: ۹ بعد) ختمکاران مسیلموهج‌گانهٔ ابراهیم (پیدایش ۱۴: ۱۴) به عنوان پیشگویی صلیب مسیح تفسیر می‌شوند، روشن است که در چنین مواردی مفسر آنچه را که خود متن می‌گوید نمی‌شنود، بلکه اجازه می‌دهد که متن آنچه را که وی از قبل می‌داند، بگوید.

۲-۱ اما در مواردی که از تفسیر استعاری اجتناب می‌شود نیز گاهی تفسیر از طریق پیش‌دوری و تعصب هدایت می‌گردد؛ مثلاً جایی که پیش‌فرض ما این باشد که مَنی و یوحنا – دو تن از نویسندگان انجیل – به آن آگاهی داشت؟ یا اینکه این تفسیر در این باره اظهار نظر خاصی نمی‌کند و آن را بی‌پاسخ می‌گذارد؟ پاسخ روشن است. آگاهی احتمالی عیسی از مسأله منجی یک واقعیت تاریخی است و تنها یک پژوهش تاریخی می‌تواند آن را به عنوان یک آگاهی آشکار سازد. اگر این پژوهش بتواند این نکته را محتمل سازد، در این صورت چنین نتیجه‌ای تنها از قطعیت نسبی برخوردار خواهد بود؛ زیرا پژوهش تاریخی هیچ‌گاه نمی‌تواند نتایج خود را از اعتبار مطلق برخوردار سازد. هر شناخت تاریخی همواره جاذب بحث دارد. بنابراین، این مسأله که آیا عیسی خود را منجی می‌دانست، همواره قابل تفسیر مجدد است. هر تفسیری که پیش‌دوری‌ها و تعصب‌های جزمی، آن را هدایت می‌کنند، صدای خود متن را نمی‌شنود و اصل خود می‌خواهد از متن بیرون می‌کشد.

**تفسیر بدون تعصب**

۲-۱ مسأله تفسیر بدون پیش‌فرض به معنای تفسیر بدون تعصب باید از همین مسأله در معنای دیگری که می‌توان آن را طرح کرد، متمایز گردد و در این معنای دیگر ما باید بگوییم که هیچ چیزی به عنوان تفسیر بدون پیش‌فرض وجود ندارد. اینکه نبود چنین تفسیری بدان علت است که هر مفسری از طریق فردانیت خود (یعنی تعصبیات و داخاتش، موهبت‌ها و ضعفهایش) از قبل تصمیم خود را گرفته است و هیچ اهمیتی ندارد.

فردانیت به این معنا همان چیزی است که مفسر باید از کنار بگذارد: از طریق خودسازی و از طریق عملی کردن گوش دادن به وسیله آن نوع از شنیدن که به چیزی جز موضوع متن علاقمند نیست؛ اما در این تفسیر به نحو تغییرناپذیری روش تاریخی سؤال از متن، مفروض است. در واقع تفسیر به عنوان تفسیر متون تاریخی، بخشی از علم تاریخ است.

پیش‌فرض اینکه یک متن مطابق با قوانین دستور زبان است، استفاده از کلمات تفسیر شود که به روش تاریخی مربوط است و اینکه تفسیر تاریخی درباره سبک فردی یک متن بپرسد، ارتباط وثیقی با این مسأله دارد. برای مثال سخن عیسی<sup>۱</sup> که در انجیل همزوا سبک متفاوتی با سخنان او در انجیل یوحنا دارد، این با مسأله دیگری که تفسیر باید در نظر داشته باشد، مرتبط است. توجه مفسر به استفاده از کلمات، دستور زبان و سبک متن، او را به این نتیجه می‌رساند که هر متن با زبان زمان و چندین تاریخی خودش سخن می‌گوید. مفسر باید این بداند. بنابراین او باید شرایط تاریخی زبان دوره‌ای را که متن در آن پدید آمده است، بشناسد. این بدان معناست که برای درک زبان عهدیجدید بسیار جدی آن است که استفاده سالمی از زبان، کجا و تا چه حد، زبان یونانی این کتاب را تعیین کرده است؟ برای پاسخ به این سؤال به مطالعه آخرزمان‌گرایی، ادبیات رنهی، متون قمران و نیز تاریخ دین یهود نیازمند هستیم.

در اینجا به سختی فرصت طرح مضادیق و نمونه‌ها وجود دارد و من تنها به یک مورد اشاره می‌کنم. کلمه πνεύμα در عهدعبدید به زبان آلمانی به Geist (روح) ترجمه می‌شود. از اینجا می‌توان فهمید که تفسیر در قرن نوزدهم (به عنوان مثال در مکتب توئیبنگن) عهدعبدید را بر اساس ایدئالیسم که در اصل به یونان باز می‌گردد، تفسیر می‌کرد؛ تا اینکه در سال ۱۸۸۸ هرمان گوتیکل نشان داد که آن کلمه در عهدجدید معنای کلاما متفاوتی دارد؛ یعنی به معنای قدرت و شیوه عمل خارق‌العاده خداوند است.

**تاریخ و رویدادهای منفرد**

یکی از پیش‌فرض‌های روش تاریخی این است که تاریخ یک واحد به معنای یک زنجیرهٔ بسته است که در آن رویدادهای منفرد از طریق توالی علت و معلول به یکدیگر مرتبط می‌شوند. این بدان معنا نیست که روند تاریخ از طریق قانون علیت تعیین شده است و هیچ تصمیم آزاد انسانی وجود ندارد که روند رویدادهای را تعیین کند؛ اما حتی یک تصمیم آزاد بدون یک علت و با انگیزه روی نمی‌دهد و وظیفه مورخ آن است که تلاش کند انگیزه‌های انسانها را بداند. همه تصمیمها و عملها علنها و نتایج خاص خود را دارند؛ و روش تاریخی این نکته را مفروض می‌داند که علتش در درون تاریخ قرار نمی‌گیرد. در حالی که به عنوان مثال، تقلبهای عهدقدیم درباره مداخله خداوند در تاریخ سخن می‌گوید، علم نمی‌تواند چنین عملی را از سوی خداوند بازگو کند، بلکه تنها فهمید کسانی هستند که به این خدا و عمل او اعتقاد دارند.

قطعاً علم تاریخ به عنوان یک علم نمی‌تواند بگوید که به این ایمان یا یک نوع توهم است و هیچ عملی از سوی خداوند در تاریخ نبوده است، بلکه به عنوان علم خودش نمی‌تواند چنین عملی را درک کند و به گونه‌ای عمل کند که گویی چنین اتفاقی افتاده است. این علم تنها می‌تواند هر کس را آزاد بگذارد که خودش تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد عمل خداوند را در یک رویداد تاریخی ببیند یا خیر؛ اما خود تاریخ، آن رویداد تاریخی را بر اساس علتهای تاریخی حال در جهان برای آن رویداد درک می‌کند.

**پیش‌نوشت:**

۱-اگر در متن یک استعاره وجود داشته باشد، بدیهی است که باید آن را به عنوان یک استعاره توضیح داد؛ اما چنین توضیحی به هیچ وجه استعاری نیست، بلکه در پی معنایی است که خود متن آن را اراده کرده است.

*اشاره «دانشنامه زبان و ادب فارسی» به راستی گنجینه‌ای است بسیار ارزشمند و راهگشا، به‌ویژه در موضوعات ادبی و ایران‌شناسی که به دست جمعی از بهترین متخصصان زیر نظر استاد دانشمند، آقای دکتر اسماعیل سعادت تهیه و تنظیم شده است و فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چاپ و نشرش همت گماشته است. آنچه در پی می‌آید، یکی از مطالب خواندنی و آموزندهٔ این مجموعهٔ علمی‌چندی است که به ضرورت عمدهٔ مآخذ درون‌متن‌اش حلف شده است.*

«ادبیات» در مفهوم عام کلمه، به تمام آثار مکتوب برجای مانده از گذشته اطلاق می‌شود. در حوزه عرفان، حجم عظیمی از آثار ادبی – به نثر و به نظم، هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی – در دست است که حتی برشمردن نام آنها از حوصلهٔ این مقال بیرون است. محتوای این آثار متنوع است و از حکمت و فلسفه و تفسیر و تأویل قرآن و حدیث گرفته تا بیان نظری عقاید و اصطلاحات صوفیانه و بیان عشق و معرفت و نقد عقل و اثبات موافقت طریقت با شریعت و اخلاق و آداب و رسوم خانقاهی و سرگذشت مشایخ و بیان روایاها و مکاشفات و سخنان وجدآمیز و شطحیات صوفیه را در بر می‌گیرد.

نگاه صوفیه به شریعت، هستی انسان و سخنان و مقصد او، و نیز طبیعت و خدا، نگاهی خلاف عادت و مبتنی بر ذوق و قلب و استنباطی نو از دین بوده است؛ از این رو حتی بسیاری از آثار متثور آنان نیز رنگ و بویی شاعرانه دارد و در قلمرو ادبیات به مفهوم خاص جای می‌گیرند که عنصر زیبایی، عاطفه، ایهام در بیان، و کیفیت طرح مضامین و اندیشه‌های بدیع و خلاف عادت در آنها تشخیص دارد.

استنباط‌های نو از دین و تجارب شخصی، چون با زبانی به بیان درمی‌آیند که مولود تجارب حسی و عمومی است، نظام نشانه‌شناختی زبان را از ساختار آشنا و طبیعی آن منحرف می‌کند و آن را به‌صورتی ناآشنا درمی‌آورد که ارتباط میان متن و خواننده را محتاج تأمل می‌کند. این تشخیص زبانی و در سایه ایهام قرارگرفتن معنی متن در آثار عرفانی یا به سبب استفاده از عناصر بلاغی، دلالت نکند و حاوی معانی و مفاهیمی باشد و زبانی غیرعادی است، یا به سبب بیان عواطف روحی متأثر از معانی و اندیشه‌های تازه است و یا ناشی از تجربه‌های شخصی بدون مصادق‌های عام و آشناست.

**عین‌القصا صمدانی** (متوفی ۵۲۵ق)، در کتاب «زبد‌الحقایق»، میان علم که موضوعش طبیعت است و آلت ادراک آن حس و عقل، و معرفت که موضوعش مابعدالطبیعه است و آلت ادراک آن بصیرت، فرق قائل می‌شود و تأکید می‌کند که: علم را می‌توان با کلمات مطابق تعبیر کرد، ولی تعبیر معرفت جز با کلمات مشابه ممکن نیست. منظور از کلمات مشابه کلماتی است که در مقام «دال» به «مدلول» قراردادی خود در زبانی دلالت نکند و حاوی معانی و مفاهیمی باشد و زبانی آنچه در نظام اولیهٔ نشانه‌شناسی زبان به طور طبیعی و عادی از آن دریافت می‌شود.

این کار نقشی رمزی و شاعرانه به زبان می‌دهد، که خواه در خدمت نثر قرار بگیرد و خواه در خدمت نظم، منجر به پدیدآمدن شعر، به معنی امروزی‌تر کلمه ظاهر، منجر به پدیدآمدن عارفان در بعضی از آثار منظوم و منثور خود اصل رساندن صریح معنی یا تک‌معنایی زبان را، که وجه غالب کاربرد زبان در ادبیات کلاسیک بود، متزلزل کردند و آثار بسیاری پدید آوردند که در مقابل جریان گونه‌های رایج ادبی، که بیشتر نثر منظوم و نثر شاعرانه بود، می‌توان آنها را شعر منظوم و شعر مترو نامید.

**بازید بسطامی** (متوفی ۳۳۴ق) می‌گوید: «سخنان من بر آن اقتضای حال می‌آید، اما آن را هر کس، چنان‌که، اقتضای ذوق خویش است، ادراک می‌کند، و سپس ادراک خویش را به من منسوب می‌دارد، اگر دیگران سخن بازیزد را به من اقتضای ذوق خویش تعبیر می‌کنند، پس سخنان بازیزد معانی متعدد دارد، چون اقتضای وقت هر کس به گونه‌ای دیگر است و اگر بازیزد نیز سخن به اقتضای حال می‌گوید، پس سخنان او نیز مشابه است و تأویل‌پذیر.

**کیمای سعادت یکی از آموزنده‌ترین کتابهای تعلیمی است که با نثر ساده، زیبا، روان و فصیح دشوارترین مباحث تصوف طرح و شرح و توضیح شده و از جمله متون مهم و نافذ در عالم اسلامی بوده که در ایجاد سازش میان طریقت و شریعت و رفع اختلاف میان اهل نقل و اهل قلب تأثیر قطعی داشته است**

هنگامی که ما در غیاب گوینده یا نویسنده‌ای متشابه‌گوی، او را سختی می‌شنویم یا می‌خوانیم، به اقتضای بافت موقعیت خود از آن معنایی در می‌یابیم که چه بسا اولیو همان مقصودی نباشد که گوینده یا نویسنده اراده کرده است. طبیعی است که این نوع کاربرد زبان، رکن غالب تک‌معنایی زبان کلاسیک را متزلزل می‌کند و صورتی خلاق عادت به شعر و نثر می‌دهد که کشف معانی متعدد و مختلف آنها را تابع اقتضای وقت خوانندگان می‌کند.

**الطائی** می‌نویسد: «روزی در بندگی حضرت چلبی، رضی‌الله‌عنه، کرام اصحاب شرح می‌کردند که فلاّتی متشابه‌گوی، او را سختی می‌شنویم یا می‌خوانیم، به اقتضای بافت موقعیت خود از آن معنایی در می‌یابیم که چه بسا اولیو همان مقصودی نباشد که گوینده یا نویسنده اراده کرده است. طبیعی است که این نوع کاربرد زبان، رکن غالب تک‌معنایی زبان کلاسیک را متزلزل می‌کند و صورتی خلاق عادت به شعر و نثر می‌دهد که کشف معانی متعدد و مختلف آنها را تابع اقتضای وقت خوانندگان می‌کند.

**مصحف‌های گنگای**

**اریک فروم: شجاعت آدم بودن**

**زاینر فونک**

**ترجمه: طاهره محمدعلی‌زاده**

**ناشر: آشین**

**چاپ اول: ۱۳۹۵**

**۳۳۹ ص – ۲۵ هزار تومان**

کتاب در چهار بخش مسامان یافته است. بخش اول نگرش‌های اجتماعی روانی و ایده‌های فلسفی انسان‌شناختی اریک‌فروم (شامل بخش: روان‌شناسی اجتماعی، نظریه شخصیت، مفاهیمی درباره ماهیت و تاریخچه بشر)، بخش دوم انسان‌گرایی فروم و نقد آن (شامل دو بخش: مذهب و تفاسد اخلاقیات انسانی)، بخش سوم منشأ و اشکال اندیشه‌های فروم (شامل دو بخش: منشأ اندیشه‌های فروم، اشکال مختلف اندیشه فروم، انسان‌گرایی به عنوان علم و اخلاقیات بدنی در آثار فروم (شامل دو بخش: هنر زیستن: داشتن یا بودن؟ انسان‌گرایی فروم به عنوان چالشی برای الهیات مسیحی).

فروم یکی از تأثیرگذارترین روانکاوان است و این نظر بره‌پرداز روان‌کاوی که کوشیده‌اند سبکی مناسب‌تر از فروید را برای حل مشکلات امروز مطرح می‌کند، هیچ‌یک به اندازه فروم مؤثر نبوده‌اند. فروم مبلغ انسان‌گرایی سوسیالیستی بود که سرمایه‌داری غریب و سوسیالیسم شوروی را رد می‌کرد. علایق سیاسی فروم بعد از اشتیاقی تا آزاد مارکس شدت یافت و بر این باور بود که انسان مدرن با ورود به روابط استبدادی فروم یکسانی از تأثیرگذارترین روانکاوان است و این نظر بره‌پرداز روان‌کاوی که کوشیده‌اند سبکی مناسب‌تر از فروید را برای حل مشکلات امروز مطرح می‌کند، هیچ‌یک به اندازه فروم مؤثر نبوده‌اند. فروم مبلغ انسان‌گرایی سوسیالیستی بود که سرمایه‌داری غریب و سوسیالیسم شوروی را رد می‌کرد. علایق سیاسی فروم بعد از اشتیاقی تا آزاد مارکس شدت یافت و بر این باور بود که انسان مدرن با ورود به روابط استبدادی

روان‌شناسی‌زنان

**جین شینودا بولن**

**مترجم: میتو پیرانی**

**ناشر: آشین**

**چاپ اول: ۱۳۹۵**

**۴۲۲ ص – ۳۰۰۰۰ تومان**

میرچا الیاده که از بزرگترین معققان در زمینه اسطوره‌ها و معتقدات اسطوره‌داستانی تاریخی است و به حادثه‌ای که در زمان کهن رخ داده، فرآیند است. جین شینودا بولن بانگاهی

### نظرها و اندیشه‌ها

سخنان خداوندگار را نیکو تفریر می‌کند و تفسیر آن را به مردم می‌خواند و در آن فن مهارت عظیم دارد. حضرت چلبی فروم که کلام خداوندگار ما به مثابت آینه‌ای است؛ چه، هر که معنی می‌گوید و صورتی می‌دند، صورت معنی خود را می‌گوید. آن معنی کلام مولانا نیست. و باز فروم که: دریا هزار جو شود، اما هزار جو دریا نشود؛

به حکم این مقدمات، ادبیات عرفانی را به طور کلی

از نظر زبان به انواع زیر تقسیم می‌توان کرد:

۱. آثاری که زبان در آنها برای بیان و شرح و توضیح معنی یا موضوعی به منظور انتقال آن به مخاطب به کار می‌رود و تشخیص زبان ناشی از بلاغت گوینده

و مهارت او در نوشتن است.

۲. آثاری که زبان در آنها برای بیان معنایی به کار می‌رود که با حساسیت‌های عاطفی گوینده یا

نوع ادبیات عرفانی

حسین‌بن صمدت **حاج**

(متوفی حدود ۲۵۰ق)

بن عثمان **هجوری**

(متوفی حدود ۲۵۰ق)

است. این کتاب که

هجوری آن را در

پاسخ پرسش‌های

هجویری

نگاشته است، شامل

مطالب و اطلاعات

بسیار بالارزشی است

که به اقتضای موضوع،

گاه با دلایل و شواهد

و استدلال‌های علمی

و عرفانی و نقد و نظر همراه است.

هجوری در این کتاب اهم مسائل عرفانی را مانند علم، معرفت، فقر، تصرف، محبت، ملامت، شرح احوال و احوال مشایخ و پیشوایان تصوف از صحابه و تابعین و اهل بیت، فرقهای تصوف و مذاهب و مقامات و حکایات و نیز اقوال و عقاید و نظریات آنان را به تفصیل بیان کرده است و دربارهٔ حقیقت نفس و معرفت آن و مقلوالت عرفانی و فلسفی سخن رانده است.

«کشف‌المحجوب» که بعدها از جمله مآخذ کتابهای معتبر دیگر صوفیه چون «تذکرهٔ الاولیای عطار نیشابوری» و «فصل‌الخطاب» حواجه محمد پارسا و «نفحات‌الانس» جامی شد، نثری استوار و مستند دارد.

در بعضی کتابهای دیگر مثل «احیاء علوم‌الدین» امام ابو حامد محمد غزالی که خود به تلخیص و ترجمهٔ فارسی آن به نام «کیمیای سعادت» پرداخته است، دربارهٔ نظر کامعای مختلف متصوفه و اثبات توفاق آن با شریعت کوشش شده است.

کتاب کیمیای سعادت یکی از آموزنده‌ترین کتابهای تعلیمی صوفیه است که در آن با نثر ساده، زیبا، روان و فصیح دشوارترین مباحث تصوف طرح و شرح و توضیح شده است. کتاب احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت از جمله کتابهای مهم و نافذ در عالم اسلامی بوده است که در ایجاد سازش میان طریقت و شریعت و رفع اختلاف میان اهل نقل و اهل قلب تأثیر قطعی داشته است.

کار سترگ غزالی در توفیق میان شریعت و طریقت را بعدها شیخ شهاب‌الدین یحیی **سه‌روردی**، معروف به شیخ اشراق (متوفی ۵۸۷ق)، از طریق رساله‌ها و کتابهای فارسی و عربی خود، و در قرن هفتم، عزیزالدین **نسفی** با نثری بسیار روان و ساده و رسا به‌خصوص در مجموعه‌ای بزرگ از رساله‌های خود تحت عنوان «الانسان‌الکامل» در سازش میان عقل و نقل و قلب دنبال کردند.

در شمار این گروه از کتابهای صوفیه، نمی‌توان از ذکر کتاب «التصفی فی احوال المتصوفه» یا «صوفی‌نامه» تألیف قطب‌الدین ابوالمظفر منصور بن ارشدیر العبادی (متوفی ۵۷۷ق) و آثار **نجم‌الدین گری** (متوفی ۶۱۸ق) چشم پوشید. کتاب التصفیه دربارهٔ اهل تصوف و رفتار و کردار و مصطفحات آنان است که با زبانی ساده و به منظور به‌کارآمدن نوشته شده است و با تمثیل و آیات و احادیث فراوان همراه است.

از میان رساله‌های متعددی که به نجم‌الدین کبری منسوب است، رسالهٔ «الخانقا الهالیم منلوه الااثم» به نظر محققان صوفیه، یکی از بهترین مبادی تصوف، همراه با نقل اقوال و احوال مشایخ و آداب و اخلاق آنان و دفاع از آرای صوفیه، پدید می‌آید. در میان کهن‌ترین آثار می‌توان از کتاب «اللمع فی التصوف» **ابونصر سراج** (متوفی ۳۷۸ق) و «فوت‌القلوب» **ابوطالب مکی** (متوفی ۳۸۶ق) به عربی نام برد که در آنها، گذشته از بیان آرا و نظرهای صوفیه، سعی در اثبات سازگاری تصوف با سنت و شریعت شده است.

کتاب مهم دیگری که در همین دوره یعنی قرن چهارم ق تألیف شده است «کتاب التعریف لمذهب اهل التصوف» از ابویرک **کلابای بخاری** (متوفی ۳۹۵ق) است که، مثل دو کتاب قبل، به زبان عربی است. این کتاب به اهتمام یکی از شاکردان و مریدان او به نام خواجه امام ابراهیم اسماعیل‌بن محمدبن عبدالله المسمشلی بخاری (متوفی ۳۸۰ق) به فارسی ترجمه و شرح شده است. کتاب «شرح تعریف» که از قدیم‌ترین کتبای متصوفه به فارسی است، ضمن شرح مفصل اصطلاحات و بیان اقوال و آرای صوفیان و طرح عقاید اهل سنت، کوشش شده است تا موافقت کامل طریقت صوفیه با شریعت و سنت اثبات شود. این کتاب از مآخذ عمدهٔ کتابهای صوفیه‌ان است.

کتاب دیگری که می‌توان آن را نیز از جمله معتبرترین کتابهای عرفانی محسوب داشت «رسالهٔ قشیریه»، تألیف امام **ابوالقاسم قشیری** (متوفی ۴۶۵ق)، قشیریه، که مردی متمسک به شریعت بوده است، کتایش را به منظور تصفیهٔ تصوف از انحرافات طریقت، و وصول به رستگاری از طریق کسب ایمان قلبی و نیل به یقین حقیقی و دیدار حق است.

متصوفهٔ قشیریا اوان پیدایش، به تصنیف و تألیف دست یازیدند و کتابها و رساله‌های متعددی به زبان عربی از مشایخ صوفیه خواه از مکتب خراسان خواه از مکتب بغداد، به جام مانده است. از حارث **محاسبی** (متوفی ۲۳۳ق)، **حکیم ترمذی** (متوفی ۲۹۶ق)، **بنی بغدادی** (متوفی ۲۹۷ق)، **حسین‌بن صمدت** (متوفی ۳۰۹ق) و دیگران کتابها و رساایلی در دست داریم و اینها غیر از گفتارهای بسیاری از آنان است که در طریق «حقائق‌التفسیر» و «طبقات‌الصوفیه» **سُلمی** به دیگران رسیده و بعدها در کتابهای دیگر نقل و بسط یافته است.

یکی از پرکارترین و تأثیرگذارترین مؤلفان متصوفه

## سیری در ادبیات عرفانی



نویسنده پیوند دارد و تأثیر این حساسیت عاطفی به زبان تشخیص می‌بخشد و گاهی غلبه حساسیت‌های عاطفی سبب می‌شود که بیان معنی تحت‌تأثیر آن بسیار کهرنگ شود.

۳. آثاری که در آنها زبان در خدمت بیان تجارب روحی خاص و فردی درمی‌آید که به سبب بیگانگی با تجارب مشترک و عام، نمی‌توان مصادیق قابل فهم، برای آنچه زبان در نظام نخستین معنی‌شناسی خود بر آن لایت دارد، پیدا کرد.

۱-۱ این گروه از آثار عرفانی به دو نثر و هم در شعر عرفانی به درجات مختلف می‌توان ملاحظه کرد. نوع اول، اگرچه در آثار متثور در قلمرو ادبیات به مفهوم خواص ادب و نثر آمده است، اما در نظم، در شمار ادبیات به مفهوم خاص جای می‌گیرد؛ زیرا وزن و قافیه و ساختار خاص زبانی ناشی از آن دو به زبان تشخیص می‌بخشد و آن را از ان هنجار طبیعی زبان دور می‌کند. آثار انواع دوم و سوم را حتی وقتی که به نثر باشد، می‌توان از مقولهٔ ادبیات به مفهوم خاص به شمار آورد؛ این گونه آثار نیز به صورت گسترده در ادبیات عرفانی در کنار شعر منظوم وجود دارد.

وجود قدرت‌های مستبد و خودسر و تعصبیات کور مذهبی و نامعنطنی از حفظ و رعایت حقوق و شخصیت فرد، از عوامل تقویت گرایش به عرفان و گسترش قلمرو آن در نتیجه پدیدآمدن ادبیاتی بسیار وسیع بوده است که بخش اعظم ادبیات فارسی را، به‌خصوص در مفهوم خاص ادبیات، تشکیل می‌دهد.

محتوای آثار نوع اول، که بر آنها آنها را ادبیات به مفهوم عام گرفت، شامل تمام آثار منثوری است که مباحی نظری تصوف و عرفان، آداب و رسوم و شرح اقوال و سیر مشایخ را در بر دارد و به بیانیه و جوهر

است. قشیری، که مردی متمسک به شریعت بوده است، کتایش را به منظور تصفیهٔ تصوف از انحرافات طریقت، و حصول خود نوشته است. در این کتاب که ترجمهٔ آن از امهات کتب صوفیه به زبان فارسی است، شرح خاص و مختصر و از ۸۳ تن از مشایخ گذشته را از ابراهیم **ادم** (متوفی ۶۲ق) تا ابوعبدالله احمدبن عطاء و رودباری (متوفی ۳۹۶ق) نقل می‌کند و سپس در باب دیگر، به شرح مصطلحات و تعبیرات صوفیه می‌پردازد.

**کشف‌المحجوب**

کتاب دیگری که می‌توان آن را در کنار ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه از مشهورترین و ارزشمندترین کتابهای عرفانی به شمار آورد، «کشف‌المحجوب» تألیف ابوالحسن علی **بن عثمان هجویری** (متوفی حدود ۲۵۰ق) است. این کتاب که هجویری آن را در پاسخ پرسش‌های هجویری نگاشته است، شامل مطالب و اطلاعات بسیار بالارزشی است که به اقتضای موضوع، گاه با دلایل و شواهد و استدلال‌های علمی

و عرفانی و نقد و نظر همراه است.

هجوری در این کتاب اهم مسائل عرفانی را مانند علم، معرفت، فقر، تصرف، محبت، ملامت، شرح احوال و احوال مشایخ و پیشوایان تصوف از صحابه و تابعین و اهل بیت، فرقهای تصوف و مذاهب و مقامات و حکایات و نیز اقوال و عقاید و نظریات آنان را به تفصیل بیان کرده است و دربارهٔ حقیقت نفس و معرفت آن و مقلوالت عرفانی و فلسفی سخن رانده است.

«کشف‌المحجوب» که بعدها از جمله مآخذ کتابهای معتبر دیگر صوفیه چون «تذکرهٔ الاولیای عطار نیشابوری» و «فصل‌الخطاب» حواجه محمد پارسا و «نفحات‌الانس» جامی شد، نثری استوار و مستند دارد. در بعضی کتابهای دیگر مثل «احیاء علوم‌الدین» امام ابو حامد محمد غزالی که خود به تلخیص و ترجمهٔ فارسی آن به نام «کیمیای سعادت» پرداخته است، دربارهٔ نظر کامعای مختلف متصوفه و اثبات توفاق آن با شریعت کوشش شده است.

کتاب کیمیای سعادت یکی از آموزنده‌ترین کتابهای تعلیمی صوفیه است که در آن با نثر ساده، زیبا، روان و فصیح دشوارترین مباحث تصوف طرح و شرح و توضیح شده است. کتاب احیاء علوم الدین و کیمیای سعادت از جمله کتابهای مهم و نافذ در عالم اسلامی بوده است که در ایجاد سازش میان طریقت و شریعت و رفع اختلاف میان اهل نقل و اهل قلب تأثیر قطعی داشته است.

کار سترگ غزالی در توفیق میان شریعت و طریقت را بعدها شیخ شهاب‌الدین یحیی **سه‌روردی**، معروف به شیخ اشراق (متوفی ۵۸۷ق)، از طریق رساله‌ها و کتابهای فارسی و عربی خود، و در قرن هفتم، عزیزالدین **نسفی** با نثری بسیار روان و ساده و رسا به‌خصوص در مجموعه‌ای بزرگ از رساله‌های خود تحت عنوان «الانسان‌الکامل» در سازش میان عقل و نقل و قلب دنبال کردند.

در شمار این گروه از کتابهای صوفیه، نمی‌توان از ذکر کتاب «التصفی فی احوال المتصوفه» یا «صوفی‌نامه» تألیف قطب‌الدین ابوالمظفر منصور بن ارشدیر العبادی (متوفی ۵۷۷ق) و آثار **نجم‌الدین گری** (متوفی ۶۱۸ق) چشم پوشید. کتاب التصفیه دربارهٔ اهل تصوف و رفتار و کردار و مصطفحات آنان است که با زبانی ساده و به منظور به‌کارآمدن نوشته شده است و با تمثیل و آیات و احادیث فراوان همراه است.

از میان رساله‌های متعددی که به نجم‌الدین کبری منسوب است، رسالهٔ «الخانقا الهالیم منلوه الااثم» به نظر محققان صوفیه، یکی از بهترین مبادی تصوف، همراه با نقل اقوال و احوال مشایخ و آداب و اخلاق آنان و دفاع از آرای صوفیه، پدید می‌آید. در میان کهن‌ترین آثار می‌توان از کتاب «اللمع فی التصوف» **ابونصر سراج** (متوفی ۳۷۸ق) و «فوت‌القلوب» **ابوطالب مکی** (متوفی ۳۸۶ق) به عربی نام برد که در آنها، گذشته از بیان آرا و نظرهای صوفیه، سعی در اثبات سازگاری تصوف با سنت و شریعت شده است.

کتاب مهم دیگری که در همین دوره یعنی قرن چهارم ق تألیف شده است «کتاب التعریف لمذهب اهل التصوف» از ابویرک **کلابای بخاری** (متوفی ۳۹۵ق) است که، مثل دو کتاب قبل، به زبان عربی است. این کتاب به اهتمام یکی از شاکردان و مریدان او به نام خواجه امام ابراهیم اسماعیل‌بن محمدبن عبدالله المسمشلی بخاری (متوفی ۳۸۰ق) به فارسی ترجمه و شرح شده است. کتاب «شرح تعریف» که از قدیم‌ترین کتبای متصوفه به فارسی است، ضمن شرح مفصل اصطلاحات و بیان اقوال و آرای صوفیان و طرح عقاید اهل سنت، کوشش شده است تا موافقت کامل طریقت صوفیه با شریعت و سنت اثبات شود. این کتاب از مآخذ عمدهٔ کتابهای صوفیه‌ان است.

کتاب دیگری که می‌توان آن را نیز از جمله معتبرترین کتابهای عرفانی محسوب داشت «رسالهٔ قشیریه»، تألیف امام **ابوالقاسم قشیری** (متوفی ۴۶۵ق)، قشیریه، که مردی متمسک به شریعت بوده است، کتایش را به منظور تصفیهٔ تصوف از انحرافات طریقت، و حصول خود نوشته است. در این کتاب که ترجمهٔ آن از امهات کتب صوفیه به زبان فارسی است، شرح خاص و مختصر و از ۸۳ تن از مشایخ گذشته را از ابراهیم **ادم** (متوفی ۶۲ق) تا ابوعبدالله احمدبن عطاء و رودباری (متوفی ۳۹۶ق) نقل می‌کند و سپس در باب دیگر، به شرح مصطلحات و تعبیرات صوفیه می‌پردازد.

کتاب دیگری که می‌توان آن را در کنار ترجمهٔ رسالهٔ قشیریه از مشهورترین و ارزشمندترین کتابهای عرفانی به شمار آورد، «کشف‌المحجوب» تألیف ابوالحسن علی **بن عثمان هجویری** (متوفی حدود ۲۵۰ق) است. این کتاب که هجویری آن را در پاسخ پرسش‌های هجویری نگاشته است، شامل مطالب و اطلاعات بسیار بالارزشی است که به اقتضای موضوع، گاه با دلایل و شواهد و استدلال‌های علمی و عرفانی و نقد و نظر همراه است. هجوری در این کتاب اهم مسائل عرفانی را مانند علم، معرفت، فقر، تصرف، محبت، ملامت، شرح احوال و احوال مشایخ و پیشوایان تصوف از صحابه و تابعین و اهل بیت، فرقهای تصوف و مذاهب و مقامات و حکایات و نیز اقوال و عقاید و نظریات آنان را به تفصیل بیان کرده است و دربارهٔ حقیقت نفس و معرفت آن و مقلوالت عرفانی و فلسفی سخن رانده است.

کار سترگ غزالی در توفیق میان شریعت و طریقت را بعدها شیخ شهاب‌الدین یحیی **سه‌روردی**































سرمربی تیم ملی فوتبال ایران،گفت:هرزیداربهمنی را پیش رو داریم و متعهد همه مسابقات پیش روحمک فینال را برای ما دارد. تیم ملی چین چقدراست؟ گفت: من سرمربی تیم چین را خوب می شناسم و با تفکرات گاؤ شائنا هستم ، او مربی با انگیزه ای است و با انگیزه زیادی با بار دیگر فرصتی فراهم شده تا درچین حضوریابد ومقابل این تیم بازی کند، ابرازخسندی کرد.

وی اظهارداشت:این مسابقه هم برای ما مهم بسیاری این اهمیت زیادی برخورداراست و تک تک امتیازات دراین مسابقات برای تیم ما مهم است و برای ما وچین هم چنین یزری صادق است.

یکی روش تصریح کرد: اطمینان دارم که تا پایان ماه نوامبر همه تیم ها تلاش خواهند کرد که جایگاه خود را حفظ کنند وآن را تقابلیشند.به همین خاطر من با بازیکنانم ازهرنظر کاملاً آماده بازی می بینم.

وی گفت: بهترین بازی را امروزدرمقابل چینتیسی ها به نمایش خواهیم گذاشت؛ تا به امروز تمرینات خوبی را پشت سرگذاشته ایم و نسبت به تیم چین هم شناخت کاملی داریم.

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران درپاسخ به این پرسش که با تیم جوانان ایران چگونه مقابل چین بازی خواهد کرد؟ گفت: ما هم با بازیکنان خود و هم باتجربه داریم ومطمئن باشید که این ویژگی درهمه پست ها وجود دارد.

همیشه سعی داشته ام که تلقینی ازکیفیت وتجربه را درسایقات ودردین خود لحاظ کنم ودرحال حاضرتیم ایران ازاین چنین ویژگی های است.

محمود شجاعی درنستت اتحادیه جهانی کشتی دمورد عضویت رسول خادم درهیات رئیسه وکمینه اجرایی این اتحادیه وثاقعاتی که درکنگروه دوسالانه رخ داد، مطلب نوشت.

به گزارش ایسنا، اتحادیه جهانی کشتی روز یکشنبه و درجریان رقابت‌های ۲۰۱۶ کشتی جوانان جهان کنگره دو سالانه خود را برگزارکرد. سابت این اتحادیه نوشت: کنگره جهانی به شش تن ازاعضای اتحادیه کشتی کشتی ایرانی حضوردرهیات رئیسه ای راه کرد.همرکام به مدت شش سال برای این سمت انتخاب شدند.

قبل ازآری گیری احمد آیک ازترکیه بازنشستگی خودرا ازهیات رئیسه اعلام کردو اتحادیه جهانی گردنبدت اعلام که بالاترین نشان این سازمان است را به اوهادا کرد. آیک بیش از ۲۰ سال عضویتاثر رئیسه بود ومال شش المپیک را هم درکارنامه ورزشی اش دارد.

هیات رئیسه همچنین به عضو

رئیس جمهوری در پیماهی جنگله ای به پاشنده و نخست وزیر مالزی فرا رسیدن روز ملی این کشور را به آنان و مردم مالزی تبریک گفت و تصریح کرد: امیدوارم از این سیاسی مسئولان دو کشور، شاهد تعمیق روزافزون همکاری‌هایمان.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در پیام خود به سلطان عبدالحمید معظم شاه چنین نوشت: ضمن ابراز خرسندی از گسترش همکاری‌های دو کشور دوست و برادر ایران و مالزی، امیدوارم بیش از گذشته، شاهد تقویت روابط فیلیین باشیم. در بخشی از پیام رئیس جمهوری به «داتوک نجیب تون رازاق» (نخست‌وزیر مالزی هم تأکید شده است): «ما به مسرت است که روابط ایران و مالزی در فضای پارس‌جامز از روند رو به رشدی برخوردار شده است. در این راستا امیدوارم با اراده سیاسی مسئولان دو کشور، شاهد تعمیق روزافزون همکاری‌ها باشیم.»

**هیات‌نظارت برجام در جام‌رهدبعدهی آمریکای‌ها**
**تصمیم‌گیری است**

معاون اروپا و آمریکای وزیر امور خارجه با بیان آن که در این زمان هنوز دولت ایالات متحده ای به پاشنده و به هیات‌نظارت بر این توافقنامه هستند، گفت: هیات‌نظارت بر برجام تصمیم‌گیری درباره زمان و چگونگی برخورد با این بدعهدی‌هاست.

به گزارش ایرنا، مجید تخت رولانچی در حاشیه نشست نخست‌معاونان و مدیران بین‌الملل دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و فناوری‌های علم و فناوری منتخب در ساز جهاد علمی‌وزارت علوم، افزود: از ابتدای مذاکرات ایران بـا گروه ۵+۱ به صورت دقیق تعهدات طرف‌های مقابل و همچنین انجام آن را رصد و به‌مرجع فیدضال کشور گزارش کرده‌ام. عضو تیم مذاکره کننده هستنات با اشاره به این که ما تهدیدات خود را انجام دادیم، طرف‌های مقابل به این که با بدعهدی‌هاست.

حتم هیات نظارت بر برجام تصمیم‌گیر نهایی در برجام نحوه برخورد با بدعهدی آمریکایی‌ها در به‌مرجع فیدضال است. تخت رولانچی در پاسخ به پرسشی در این باره که FATF، ارتباطی با تعهدات ایران در برجام دارد یا خیر، گفت: یکی از مباحثی که در طول مذاکرات به آن پرداخته شد و اکنون مورد تأکید ما ست، این که استقلال خود را با هیچ چیز دیگری معاوضه نمی‌کنیم.

وی ادامه داد: ما در همان سال‌های سیستم مالی خود یا سیستم بین‌المللی مالی دنیا یک سری مذاکراتی انجام دادیم که از جمله آن بحث FATF است. تصمیم شورای عالی امنیت ملی و مجموعه نظام در این باره، لازم اجرا خواهد بود.

**فراهم‌ساختن «۱۵ دقیقه‌طای» برای اهداکنندگان خون**

مدیرعامل سازمان انتقال خون ایران، گفت: از این پس مدیران انتقال خون در سراسر کشور، باید تأکید برای آرم تکریم اهدانکنندگان خون، به ویژه اهدانکنندگان مستمر را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند.

به گزارش مهر، دکتر علی اکبر پورفتح‌آه با تأکید ویژه بر اهمیت تکریم اهدانکنندگان خون گفت: هر اهداکننده باید فضایی مناسب برای استراحت به مدت ۱۵ تا ۱۰ دقیقه داشته باشد و این بهترین زمان برای تأثیر گذاری بر روی اهداکننده و همراهان وی است.

وی با ذکر این نکته که اهداکنندگان خون به سن معافیت از نظام ارتش رسیده‌اند، سال‌های بسیار سازمان را برای تأمین خون مورد نیازِ جامعه همراهی کرده‌اند، گفت: انتضاف این است که در این دوران انتقال خون آنان را همراهی کنند و باید همه مدیران سازمان برای ارتقاء و ویژه این عزیزان برنامه‌ریزی کنند.

پورفتح‌آه در ادامه سخنان خود گفت: استفاده از برنامه ریزی و اطلاع‌رسانی رسیل از فرستادن دهنی‌های سیار به مناطق مختلف شهری می تواند اهدای خون آگاهانه را که هدف سازمان انتقال خون است، افزایش دهد.

## کی‌روش: ایران کاملاً آماده‌بازی با چین است



خبری پیش از دیدارباچین اظهارداشت: تیم چین همیشه دیدارهای بسیار خوبی به راحتی توپ را ازمنطقه دفاع به حمله می برد و ازسرعت بالایی برخوردارند.

بازی این تیم مقابل کره جنوبی را دیده‌ام و می‌دانم که تیم خوبی است. کی روش دربراسه مصدومیت اشکان ذاکه که سه پروپوزه قبل: مصدومیت آم‌آری گرفت، گفت: جای نگرانی نیست. مصدومیت اوچربی است ومشکل خاصی ندارد و به‌طورحتم دردیدارباچین حضورخواهدیافت.

سرمربی تیم ملی درپاسخ به سئوال یکی ازخبرنگاران که پرسید شانس صعود تیم چین به جام جهانی چقدراست؟ اظهارداشت: قبل ازپاسخ به این سئوال باید بگویم که دراین گروه تیم‌های خوبی مثل کره جنوبی و قطرحضوردارند.

پس ازآنکه تیم ملی فوتبال ایران به بیان این کسه برای دیدارمقابل چین ازهر نظر آماده هستیم، گفت:مانند همیشه خود ظاهرخواهم شد تا نشان دهم که تیم برترآسیا هستیم. مسعود شجاعی درنستت

خبری پیش از دیدارباچین اظهارداشت: تیم چین همیشه دیدارهای بسیار خوبی به راحتی توپ را ازمنطقه دفاع به حمله می برد و ازسرعت بالایی برخوردارند.

بازی این تیم مقابل کره جنوبی را دیده‌ام و می‌دانم که تیم خوبی است. کی روش دربراسه مصدومیت اشکان ذاکه که سه پروپوزه قبل: مصدومیت آم‌آری گرفت، گفت: جای نگرانی نیست. مصدومیت اوچربی است ومشکل خاصی ندارد و به‌طورحتم دردیدارباچین حضورخواهدیافت.

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران درپاسخ به این پرسش که با تیم جوانان ایران چگونه مقابل چین بازی خواهد کرد؟ گفت: ما هم با بازیکنان خود و هم باتجربه داریم ومطمئن باشید که این ویژگی درهمه پست ها وجود دارد.

همیشه سعی داشته ام که تلقینی ازکیفیت وتجربه را درسایقات ودردین خود لحاظ کنم ودرحال حاضرتیم ایران ازاین چنین ویژگی های است.

محمود شجاعی درنستت اتحادیه جهانی کشتی دمورد عضویت رسول خادم درهیات رئیسه وکمینه اجرایی این اتحادیه وثاقعاتی که درکنگروه دوسالانه رخ داد، مطلب نوشت.

به گزارش ایسنا، اتحادیه جهانی کشتی کشتی ایرانی حضوردرهیات رئیسه ای راه کرد.همرکام به مدت شش سال برای این سمت انتخاب شدند.

قبل ازآری گیری احمد آیک ازترکیه بازنشستگی خودرا ازهیات رئیسه اعلام کردو اتحادیه جهانی گردنبدت اعلام که بالاترین نشان این سازمان است را به اوهادا کرد. آیک بیش از ۲۰ سال عضویتاثر رئیسه بود ومال شش المپیک را هم درکارنامه ورزشی اش دارد.

هیات رئیسه همچنین به عضو رئیس جمهوری در پیماهی جنگله ای به پاشنده و نخست وزیر مالزی فرا رسیدن روز ملی این کشور را به آنان و مردم مالزی تبریک گفت و تصریح کرد: امیدوارم از این سیاسی مسئولان دو کشور، شاهد تعمیق روزافزون همکاری‌هایمان.

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در پیام خود به سلطان عبدالحمید معظم شاه چنین نوشت: ضمن ابراز خرسندی از گسترش همکاری‌های دو کشور دوست و برادر ایران و مالزی، امیدوارم بیش از گذشته، شاهد تقویت روابط فیلیین باشیم. در بخشی از پیام رئیس جمهوری به «داتوک نجیب تون رازاق» (نخست‌وزیر مالزی هم تأکید شده است): «ما به مسرت است که روابط ایران و مالزی در فضای پارس‌جامز از روند رو به رشدی برخوردار شده است. در این راستا امیدوارم با اراده سیاسی مسئولان دو کشور، شاهد تعمیق روزافزون همکاری‌ها باشیم.»

**هیات‌نظارت برجام در جام‌رهدبعدهی آمریکای‌ها**
**تصمیم‌گیری است**

معاون اروپا و آمریکای وزیر امور خارجه با بیان آن که در این زمان هنوز دولت ایالات متحده ای به پاشنده و به هیات‌نظارت بر این توافقنامه هستند، گفت: هیات‌نظارت بر برجام تصمیم‌گیری درباره زمان و چگونگی برخورد با این بدعهدی‌هاست.

به گزارش ایرنا، مجید تخت رولانچی در حاشیه نشست نخست‌معاونان و مدیران بین‌الملل دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و فناوری‌های علم و فناوری منتخب در ساز جهاد علمی‌وزارت علوم، افزود: از ابتدای مذاکرات ایران بـا گروه ۵+۱ به صورت دقیق تعهدات طرف‌های مقابل و همچنین انجام آن را رصد و به‌مرجع فیدضال کشور گزارش کرده‌ام. عضو تیم مذاکره کننده هستنات با اشاره به این که ما تهدیدات خود را انجام دادیم، طرف‌های مقابل به این که با بدعهدی‌هاست.

حتم هیات نظارت بر برجام تصمیم‌گیر نهایی در برجام نحوه برخورد با بدعهدی آمریکایی‌ها در به‌مرجع فیدضال است. تخت رولانچی در پاسخ به پرسشی در این باره که FATF، ارتباطی با تعهدات ایران در برجام دارد یا خیر، گفت: یکی از مباحثی که در طول مذاکرات به آن پرداخته شد و اکنون مورد تأکید ما ست، این که استقلال خود را با هیچ چیز دیگری معاوضه نمی‌کنیم.

وی ادامه داد: ما در همان سال‌های سیستم مالی خود یا سیستم بین‌المللی مالی دنیا یک سری مذاکراتی انجام دادیم که از جمله آن بحث FATF است. تصمیم شورای عالی امنیت ملی و مجموعه نظام در این باره، لازم اجرا خواهد بود.

**فراهم‌ساختن «۱۵ دقیقه‌طای» برای اهداکنندگان خون**

مدیرعامل سازمان انتقال خون ایران، گفت: از این پس مدیران انتقال خون در سراسر کشور، باید تأکید برای آرم تکریم اهدانکنندگان خون، به ویژه اهدانکنندگان مستمر را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار دهند.

به گزارش مهر، دکتر علی اکبر پورفتح‌آه با تأکید ویژه بر اهمیت تکریم اهدانکنندگان خون گفت: هر اهداکننده باید فضایی مناسب برای استراحت به مدت ۱۵ تا ۱۰ دقیقه داشته باشد و این بهترین زمان برای تأثیر گذاری بر روی اهداکننده و همراهان وی است.

وی با ذکر این نکته که اهداکنندگان خون به سن معافیت از نظام ارتش رسیده‌اند، سال‌های بسیار سازمان را برای تأمین خون مورد نیازِ جامعه همراهی کرده‌اند، گفت: انتضاف این است که در این دوران انتقال خون آنان را همراهی کنند و باید همه مدیران سازمان برای ارتقاء و ویژه این عزیزان برنامه‌ریزی کنند.

پورفتح‌آه در ادامه سخنان خود گفت: استفاده از برنامه ریزی و اطلاع‌رسانی رسیل از فرستادن دهنی‌های سیار به مناطق مختلف شهری می تواند اهدای خون آگاهانه را که هدف سازمان انتقال خون است، افزایش دهد.

### ورزشی

## کی‌روش: ایران کاملاً آماده‌بازی با چین است

ملی فوتبال ایران هم تأکید کرد که برای موفقیت حتمی در بازی‌های خارج ازخانه این تیم نیازبه حمایت واتحاد ملی دارد.

او ادامه داد: نصدوری که از فوتبال چین تا پیش ازاین دراعمال عمومی وجود داشت آنان را حرفی ساده و دست و پا بسته نشان می داد اما این تیم دربازی با کره جنوبی نشان داد تا چه اندازه می تواند خطرناک باشد.

هافبک هجومی تیم ملی افزود: هرچین درسال‌های اخیردورهزود فوتبال چین بسیاری کرده‌وا وجود جمعیت زیاد این کشوردرفوتبال سرمایه گذاری در این بخش قابل توجه بوده‌است.

وی با بیان اینکه به جام جهانی روسیه است وکارآسانی برای رسیدن به آن نداریم،افتخاروحرفه ای بودن کلبدهای هستند که درزمیرساین جام جهانی خواهیم داشت.

این‌ها جایگدیی های است که تیم بین بازیکنان تقسیم کرد،مهرکدام ازما

کی روش گفت: تیم چین همیشه دیدارهای بسیار خوبی به راحتی توپ را ازمنطقه دفاع به حمله می برد و ازسرعت بالایی برخوردارند.

بازیکن تیم باشگاهی پرسپولیس او ادامه داد: چینی‌ها درسال‌های اخیرسرمایه گذاری بزرگی درفوتبال انجام داده‌اند و پیشرفت چشمگیری داشته‌اند و دراین رشته داشته‌اند ضمن این که آنان لیگ خوبی دارند و قطعاً تیم ملی بهتری هم نسبت به قبل برای این کشورتشکیل شده‌است.

وی با بیان اسیمن که تیم چین شده‌اند افزود: چینی‌ها هرچین هم درچارچوب مرحله مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۶ روسیه می گویند: تیم ملی فوتبال چین تیمی سختکوش است و درتتمند است کسه برای تحقق اهدافش ازچیز تلاشی فر گذارنیتست

سرمربی تیم ملی فوتبال ایران قبل ازبازی این تیم با چین دست به اقدام جالی زد وهدیه عجیبی به بازیکنانش

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

مناهی ۶۰کیلوگرم ساندای مردان به مصاف ووشوکار مطرح چینی رفت و بارانه نمایشی خیره‌کننده دروراند.متوالی به پیروزی دست یافت و طلا گرفت.

دردیدارنهایی وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندای باتون، «شهرناونصوریان» قهرمان جهان ازایران که پیش ازاین هرگی باکایان، نایب قهرمان سال ۲۰۱۵ جهان ازفیلیپین را شکست داده بود دردیدارپایانی به مصاف تایوان افتاد و «تینگشام ورت» دروراند.متوالی برتربه اتمام رسید.دیداراین رقابت‌ها و درمجموع دویش ساندای وتالوی مردان وزنان تیم ملی ووشو ایران با کسب هفت مدال طلا سه نفره و پنج برنزبه مقام نازشمنند.نایب قهرمانی دست یافت و تیم‌های چین ویتنام عناوین قهرمانی و سومی را به خود اختصاص دادند.صبح دیروز، عرفان آهنگریان دردیدارنهایی وزن ۸۰ کیلوگرم به مصاف «کازایف» از قزاقستان رفت و

سه شنبه ۱۶شهریور ۱۳۹۵ ۴ ذی الحجه ۱۳۲۷ ۶- سپتامبر ۲۰۱۶- سال نویدیکم- شماره ۲۶۵۲۱

**آزمون دشوارچین**
**دردیداربرایایران**
تیم ملی فوتبال چین هم درآستانه دیدارمقابل ایران درمردم‌های جام جهانی ۲۰۱۸ ، آزمون دشواری را مقابل تیم سرخ‌تن ایران پیش رو دارد.

به گزارش ایرنا ازآوسوئیتدپرس، امیدواری چین برای راهیابی به جام جهانی ۲۰۱۸، روسیه، با وجود سرمایه گذاری‌های عظیمی که اخیراً درداخل وازانه‌ها به عنوان چیزهای با ارزش بهترین راه برای بازکردن مسیرجام صعود است ممکن است کمربست شود.

چین پیشچینه گشتی دراوایل دیدارخودوبرابرکره جنوبی با نتیجه ۳ بر۲ شکست خورد. شکست چین دردیدارامروز درایران برابر درشن بانگ، موجب شده‌که چین از او شو تیم صدرجدول گروه «اِی» ، از او امتیازبجهد بماند. دو تیم صدر هرگروه دررقابت‌های مقدماتی جام جهانی به طورمستقیم به این تورنمنت صعود می کنند. چین دردرصد برابر۳۰ درصد جنوبی ۲۰ دقیقه افتخارخو حرفه ای بودن برصفرعقب بود ولی گل های پوهای وواجان‌مین موجب شد نتیجه بازی به ۳ بر۲ تغییر نکند.

ژائو هوینگ یو، سرمربی تیم ملی چین به بازیکنان خود گفت: اگر توینویم با همین روحیه دربرایایران بازی کنیم، می توانیم نتیجه خوب بگیریم. رونالدو ادامه داد: زیدان شایسته اعتباربیشتری است و من او را فالت بیتیست شد و با رنالد مادرید جام لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد.

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو ادامه داد: زیدان شایسته اعتباربیشتری است و من او را فالت بیتیست شد و با رنالد مادرید جام لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد.

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو ادامه داد: زیدان شایسته اعتباربیشتری است و من او را فالت بیتیست شد و با رنالد مادرید جام لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد.

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو ادامه داد: زیدان شایسته اعتباربیشتری است و من او را فالت بیتیست شد و با رنالد مادرید جام لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد.

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو ادامه داد: زیدان شایسته اعتباربیشتری است و من او را فالت بیتیست شد و با رنالد مادرید جام لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد.

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو ادامه داد: زیدان شایسته اعتباربیشتری است و من او را فالت بیتیست شد و با رنالد مادرید جام لیگ قهرمانان اروپا را تصاحب کرد.

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.

وی افزود: او به تیم ما آمد و موجب شد سخت و خوب کار کنیم او یک فرد حرفه ای وعالی است،به نظرم، بهترین خصوصیت وی آرامش دادن به بازیکنان است. کلام سرمربی می تواند درمدت شش ماه فاتح لیگ قهرمانان اروپا شود؟

رونالدو که درتمام رقابت های فصل گذشته ۵۱ گل به ثمر رساند، ضمن تقدیر اززیدان گفت: زیدان درقهرمانی ما نقش بسزایی داشت.













## نگاهی به خاطرات استاد اسلامی ندوشن کافه نشینی ادیبان و نویسندگان



سید سعادتی

وقایع شهریور ۱۳۲۰ نقطه عطفی در تاریخ روشنفکری ایران است. آزادی زندانیان سیاسی، بازگشت تبعیدی‌ها، انتشار روزنامه‌های گوناگون و تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی به تغییرات فضای اجتماعی و سیاسی منجر شد که به دلایل متعدد تاریخی و اجتماعی، بیشترین نمود آن در «تهران» رخ داد.

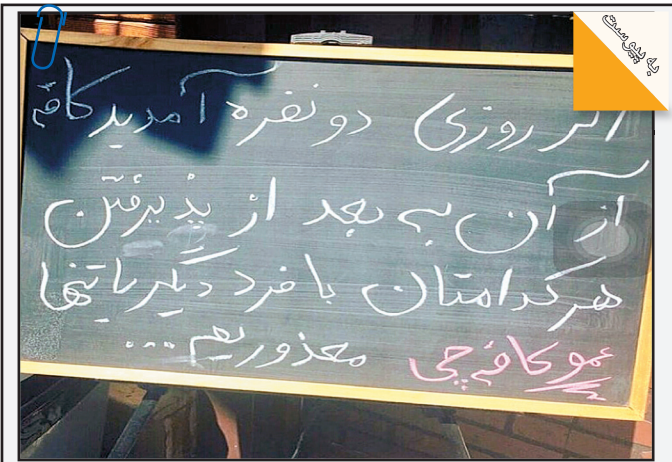
افکار آزادیخواهانه، گشایش در عرصه عمومی و ارتباط با دنیای خارج، سبب ساز ورود جلوه‌های بیشتری از مدرنیته به شهرهای ایران شد که کافه و کافه‌نشینی هم یکی از شاخص‌ترین نمودهای آن است. کافه نشینی روشنفکران ایرانی در آن زمان بسیار متأثر از سنت دیرپای کافه نشینی روشنفکران اروپایی بود. جوانان تحصیلکرده و فرنگ رفته ایرانی در اروپا (به ویژه پاریس، شهر کافه‌ها) با دوستان فرنگی تبارشان بارها روی صندلی کافه‌ها نشسته و قهوه نوشیده بودند. همین تجربه چنان در رفتار و آداب‌شان ته‌نشین شده بود که دیگر در فضای قهوه‌خانه‌های سنتی و صله‌ناسازی بودند. از اینرو کم‌کم کافه‌های مدرن در میان تحصیلکرده‌های اروپایی و در پی آن جوانان نوگرا و علاقه‌مند به فرهنگ جدید رایج شد. تخت‌ها و سکوها قهوه‌خانه‌ها جای خود را به میز و صندلی‌های مدرن آن‌روزی دادند. چهره و سر و وضع کافه بروها هم از این تحولات بی‌نصیب نماند. جوانان و روشنفکران کت‌وشلوارهای شیک و اتوکشیده همراه با کفش شب‌رو یا ورنی می‌پوشیدند و کلامی بر سر می گذاشتند.

سیل‌های باریک و قیطانی نیز جانشین ریش و سیل‌های انبوه شد. کافه‌های ادبی و روشنفکری پر رونق در تهران، کافه فردوسی، کافه نادری، کافه مرمر، کافه ماسکوت و... بودند که عموماً با تئاتر جماعت روشنفکر می‌شدند و محلی برای بحث‌های داغ در زمینه‌های مختلف.

کافه نشینی پس از شهریور ۱۳۲۰ در تهران، یک وجه سیاسی و روشنفکری قوی هم داشت که مشخصه آن دوره به حساب می‌آمد. محلی بود برای دیدارها و گپ زدن‌های چهره‌های نامدار ادبی، فرهنگی و حتی سیاسی چون: نیما یوشیج، صادق هدایت، احمد شاملو، فروغ فرخزاد، نادر نادرپور، نصرت رحمانی و بسیاری دیگر که در دوره‌ها و مقاطع مختلف گردهم می‌آمدند. کافه نادری شاید سرآغازی بر این جریان باشد که تا به امروز، ردپایی از زمان را در خویش به یادگار دارد.

در آن زمان، بیشتر کافه‌ها حوالی خیابان‌های نادری، اسلامبول و لاله زار شکل گرفته بودند. خیابان‌هایی که در آن روزگار پر بود از سینماها، تماشاخانه‌ها و دکه‌های کتاب فروشی. عصرها جوانان دسته دسته در این خیابان‌ها در رفت‌وآمد بودند. کتاب یا روزنامه‌ای می‌خریدند و در یکی از کافه‌ها با چای یا شیرقهوه‌ای خلوتی برای خود فراهم کرده یا به جمعی می‌پیوستند. در حال و هوای عصرگاه آن خیابان‌ها، دو سوی پیاده‌رو از عابران پر می‌شد. آشنایان چون به هم می‌رسیدند سلام و تعارفی می‌کردند و گاهی به خنده و شوخی از کنار هم می‌گذشتند و آنانی که اختلاف‌نظرهای سیاسی داشتند، چپ‌چپ به هم نگاه می‌کردند. گاهی همین خیابان‌ها سرآغاز بسیاری دوستی‌ها می‌شد. چنانچه محمدعلی اسلامی ندوشن در یکی از قدم زدن‌ها در خیابان اسلامبول توسط رفقاییش به سید صادق گوهرین معرفی شد. وی با گروه صادق هدایت در «کافه فردوسی» و «ماسکوت» رفت‌وآمد داشت، از طرفی اسلامی ندوشن نیز علاقه‌مند به آشنایی با هدایت بود، از این رو چندی بعد به اتفاق گوهرین برای دیدن هدایت به کافه فردوسی می‌روند. سنت کافه‌نشینی در ایران بیشتر از همه با نام صادق هدایت گره خورده است. اسلامی ندوشن که قبلاً کتاب‌های هدایت را خوانده، بر صندلی مقابل او نشسته و کنج‌کاوانه به واریس نویسنده می‌پردازد. دکتر اسلامی ندوشن در «روزها» نقل می‌کند: «درد سیگار را از لای سیل زردش بیرون می‌داد، نگاهش که از زیر عینک کمی اریب می‌نمود، لطف و طنز و نافذیت را در خود جمع داشت.»

ادامه در صفحه ۴



من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی  
عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی  
(سعیدی)

## گفت‌وگویی با محمد علی اسلامی ندوشن

### نثر «کامو» شیرین‌تر از «سارتر» بود

■ محمد صادقی

اعتباری در سیاست جهانی برای ایران بوجود آمده بود من در فرانسه بودم. وقتی به ایران برگشتم، تهران بعد از کودتا، در خود فرو رفته بود و نوعی حالت کلدورت بر روح مردم حاکم شده بود.

اتومبیل و موتور سیکلت در شهر دیده نمی‌شد. جمعیت هم در حد ظرفیت شهر بود و مثل الان نبود. سنت کافه‌نشینی بعد از شهریور ۱۳۲۰



چنانچه در جلد سوم «روزها» آمده، صادق هدایت را هم نخستین بار در کافه فردوسی می‌بینید. البته همان‌طور که گفتید، شرح آن را در کتاب «روزها» نوشته‌ام. صادق گوهرین که دبیر ادبیات دبیرستان مروی بود، یک روز عصر که در خیابان همدیگر را دیدیم، مرا به کافه فردوسی برد و مرا آنجا با صادق هدایت آشنا کرد. حسن قائمیان و دکتر روح‌بخش هم آنجا نشسته بودند. آن زمان، روشنفکران بیشتر در کافه فردوسی جمع می‌شدند. هدایت هم عصرها به آنجا می‌آمد و در گوشه‌ای از کافه می‌نشست.

ادامه در صفحه ۴

تهران پیدا شده بود. کشور آزاد شده بود و مردم قدر آزادی را می‌دانستند. چپ‌گرایی هم رونق گرفته بود اما بعد از سوء قصد به جان شاه، این نوع فضای آزاد هم قدری بهم خورد و بگیر و ببند پیش آمد. رونق کافه‌نشینی هم کم شد، چون فضا تنگ شده بود. اما به طور کلی سنت کافه‌نشینی از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رونق داشت. بعد کم‌کم سرد شد. برای اینکه آزادی گرفته شد و فضای کافه‌ها هم، مانند قبل نبود چون دیگر امکان آن نبود. زمانی که کودتای ۲۸ مرداد انجام شد من ایران نبودم. در دورانی که مصدق نخست‌وزیر بود و

محمد علی اسلامی ندوشن (۱۳۰۴) نویسنده، مترجم و روشنفکر نامدار کشورمان، در جلد سوم کتاب «روزها» که دربردارنده زندگی‌نامه خودنوشت و خاطره‌های اوست، از حال و هوای تهران (پس از شهریور ۱۳۲۰)، فضاهای فرهنگی و سیاسی تهران در آن روزگار و همچنین کافه‌ها می‌نویسد. کافه‌هایی که در آن زمان، پاتوق برخی از روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان بوده و مجال برای آشنایی و دیدار با اهالی فرهنگ و شکل‌گیری بحث‌ها و گفت‌وگوهای فرهنگی، ادبی، سیاسی و... فراهم می‌آورده است. در گفت‌وگویی که پیش رو دارید، دکتر اسلامی ندوشن از کافه‌نشینی در تهران و پاریس می‌گوید.

\*\*\*

**حال و هوای کافه‌های تهران و کافه‌نشینی پس از شهریور ۱۳۲۰ چگونه بود؟**  
— در تهران، بعد از شهریور ۱۳۲۰ تا حدی فضای آزاد بوجود آمده بود. مردم همدیگر را در خیابان‌های اسلامبول و لاله‌زار پیدا می‌کردند. کافه‌های اسلامبول و لاله‌زار هم رونق گرفته بود. عصر که می‌شد، آن خیابان‌ها، محل برو و بیا بود. دسته‌های سه نفری و چهارنفری در رفت‌وآمد بودند. مردم با هم قرار می‌گذاشتند و همدیگر را پیدا می‌کردند و یکی دو ساعتی در کافه‌ای می‌نشستند و بعد پراکنده می‌شدند و به خانه خود می‌رفتند. در این قرارها حرف از سیاست هم در کار بود. وعده‌گاه روشنفکران و دانشجویان و روزنامه‌نگاران بیشتر در چهارراه اسلامبول و شاه‌آباد سابق بود و روشنفکران بیشتر در کافه فردوسی جمع می‌شدند. دکه‌های کتابفروشی هم برقرار بود و عصرها که مردم در پیاده‌روها قدم می‌زدند، بازار کتابفروشی‌ها گرم‌تر می‌شد. تهران هم در آن زمان هوای مطبوعی داشت. آلودگی هوا وجود نداشت و این تعداد

## رونمایی از کتاب «جیگی جیگی ننه خانوم»، اثری از جنس فولکلور خراسان

### مطرب عشق عجب ساز و نوایی دارد

■ محمد برومند



زندگی جیگی جیگی و ماندگاری نامش، به خوبی نشان می‌دهد که موسیقی، نه تنها بد نیست که می‌تواند شادی‌آفرین و ماندگار باشد.

ادامه در صفحه ۵

زیادی در مورد حرمت موسیقی به ویژه در شهر مشهد مطرح می‌شود.

مدیر انتشارات تپسا ادامه داد: آنچه ما را برای انتشار اثر یاد شده مصمم کرد، این بود که

شناخته شده بود و ما می‌خواستیم با انتشار کتابی در مورد زندگی او، زمینه را برای آشنایی دیگر ایرانیان با این شخصیت فراهم کنیم. وی افزود: او مطربی بود که با خواندن اشعار ساده، دل مردم را شاد می‌کرد و این امر در کنار حادثه رازآلودی که پس از مرگ جیگی جیگی رخ داد، در ماندگاری نامش تا به امروز تأثیر داشته است.

احمدی بیان کرد: بدون هیچگونه برنامه‌ریزی و تلاش خاصی از سوی انتشارات تپسا، کتاب «جیگی جیگی ننه خانوم» در زمانی آماده و به بازار عرضه شده است که بحث‌ها و دغدغه‌های

انتشارات تپسا، مراسم رونمایی کتاب «جیگی جیگی ننه خانوم» را در خانه تئاتر ایران برگزار کرد. در این مراسم هنرمندانی چون: رضا کیانیان، داوود کیانیان و اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر حضور داشتند.

#### جیگی جیگی؛ شخصیتی مهم در ادبیات و هنر مردمی خراسان

سعید احمدی، مدیر انتشارات تپسا در ابتدای این مراسم رونمایی، با اشاره به اهمیت «جیگی جیگی ننه خانوم» در ادبیات و هنر مردمی خراسان گفت: جیگی جیگی در شهر مشهد و استان خراسان چهره‌ای



دلم می‌خواست ساعت‌ها همان جا بنشینم و با آب چشمه حرف بزنم. دلم می‌خواست می‌شدم پری چشمه. همان پری که توی قصه‌ها می‌گفتند.

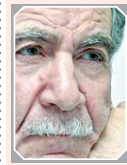
بسه تصویرم که در آب افتاده بود نگاه کردم. یک دفعه در کنار تصویر خودم تصویر پسر جوانی را دیدم. سر برگرداندم و به بالای درخت کنار چشمه نگاه کردم. سرش را تکان داد و سلام کرد. آنقدر هول شدم که ندانستم

دیگری قصه کوتاه، در سال ۱۳۸۷ تشویق شد تا در کلاس های داستان نویسی شرکت کند که حاصل تلاش هایش شروع به نوشتن نخستین رمان بر اساس یک سرگذشت واقعی بود. رمان حاضر زهرا دواسی را در جرگه نویسندگان حرفه ای ادبیات ایران قرار داده است.

در ادامه رمان "سال های سفید، سیاه و خاکستری" می‌خوانیم:

بوی قورمه سبزی و چای هلدار توی خانه مان پیچیده بود. محمد عاشق چای هلدار با سماور زغالی بود. می‌گفت: تا حالا چای به این خوش طعمی نخورده ام. مادر زغال سماور را زیر و رو کرد تا خاموش نشود... کنار پنجره چشم به خم جاده منتظر آمدن مینی بوس نشستم. نگاهی به ساعت لب تاقچه انداختم. عقربه ها هر دوتایشان روی عدد یازده مانده بودند. مینی بوس همیشه راس ساعت یازده

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



گلشن راز

گفتگو از: کریم فیضی ۱۶۳

### جهان دوری

\* طبق این تفسیر، دور انسان کامل، موجب شکوفایی عالم است.

حتماً چنین است. نمو عالم، از انسان کامل است. اساساً عالم از آن انسان کامل است. اگر دور انسان کامل نبود، نمو عالم منقطع می‌شد و هیچ گیاهی رشد نمی‌کرد و این تقدیر خداوند است که شبستری آن را به صفت جباریت خداوند مستند کرده است. اگر دور انسان کامل نبود، جهان معنی نداشت و درخت میوه نمی‌داد. عالم، عالم انسانی است، هر چند شما فکر می‌کنید انسانی نیست.

\* در این تفسیر، سیر حبه بر خط شجر است و نقطه خط می‌سازد و خط دوری دیگر می‌سازد.

روشن است که این بحث و این بخش از گلشن راز را با استنکار ادامه می‌دهید و در واقع تحمل می‌کنید ولی این مبانی در جای خودش درست است. درختی که می‌بینید و در برابر ماست، خط یک حبه یا دانه است که به این حد از بلندی رسیده است.

طبق این فرمول، نقطه امتداد پیدا می‌کند و خط می‌کشد و شما خط را اگر ادامه بدهید، به دایره خواهید رسید. امروزه اثبات شده است که خط مستقیم نداریم. خط از نقطه است و امتداد خط، سرانجام به نقطه اول بازمی‌گردد و دایره ترسیم می‌کند. این دیگر محاسبه ریاضی است و نمی‌توان کاری‌اش کرد.

\* در واقع، جهان دوری است و در جهان دوری، هر خطی بکشیم، دایره درمی‌آید.

می‌دانید چرا جهان دوری است؟ چون وحدت حاکم است. امتداد از کثرت است و کثرت اصالت ندارد. به همین جهت، کثرت از وحدت است، نه وحدت از کثرت. تداوم صدور کثرت از وحدت تا کجاست؟ تا خود وحدت و این یعنی ترسیم شدن یک دایره.

پس شبستری کیلویی حرف نمی‌زند و حرفش بی‌مبنا نیست. این حرف‌ها، عقلانی‌ترین حرف ممکن است. عالم ادوار است. در گذشته زمان را هم دوری می‌دانستند، هرچند که امروزی‌ها آن را قبول ندارند. زمان از ازل آغاز شده است، بدون زمان آغاز. پایان زمان هم ابد است و این یعنی دور.

پس شبستری، مزخرف نگفته است. اگر کسی دوری بودن زمان را نفهمد، من نمی‌توانم به حرف او گوش بدهم، چون دوری بودن زمان بسیار مهم است که امروزی‌ها آن را نمی‌فهمند. یاد مرحوم آقا محمدعلی حکیم، استاد ما بخیر که با لهجه غلیظ شیرازی رو می‌کرد به ما و می‌گفت: تو حالا نمی‌فهمی! راست می‌گفت!

\* سالک وقتی دورش کامل شد، نقطه آخر به اول خواهد رسید.

خط که از نقطه آغاز شده است، پایانش همان نقطه اول است. قرآن کریم این سخن را به این صورت بیان کرده است که: کما بدأکم تعودون؛ همانگونه که آغازتان کرده، شما را برخواهد گرداند. این آیه را مفسرین چنان بد تفسیر کرده‌اند که اصلاً قابل ذکر نیست.

هر حرکت جهان، سرانجام دوری است، هرچند که ما مستقیم می‌بینیم. من در «قواعد کلی فلسفی» نوشته‌ام که: اصل اجسام کروی است. اگر جسم در عالم بدون مانع رها شود، کروی خواهد بود. علتش هم این است که جسم از یک نقطه انبساط پیدا می‌کند. اگر این گسترش از همه جهات بدون مانع باشد، حالت جسم کروی خواهد بود.

\* شبستری پرگار را مثال می‌زند. این حرف هم درست است. هستی پرگار است و مثل پرگار، فقط دایره ترسیم می‌کند.

ادامه دارد

## نگاهی به رمان «سالهای سفید، سیاه و خاکستری» از زهرا دواسی

# وقتی زندگی آوار می شود



۱۴ محمدرضا حیدرزاده

چطوری چادرم را سرم کردم. کوزه آب را که گرفتم گفتم:

– شما دختر اوستا حسن هستید؟...  
با سرعت از آنجا دور شدم. به خانه که رسیدم، نفس نفس می‌زدم. قبل از این که در بزنم مادرم در را باز کرد. تا من را با آن رنگ و رو دید هول شد و خودش را عقب کشید. کوزه را گوشه ایوان گذاشتم. سرخی صورتم را با دستانم حس می‌کردم. می‌دانستم صورتم سرخ سرخ شده. هر موقع خجالت می‌کشیدم، سرخ می‌شدم.

نمی‌دانستم این پسر از کجا پیدایش شده بود. ته دلم می‌لرزید. نمی‌دانستم چرا اینطوری شده ام. دستانم یخ کرده بود و ضربان قلبم تند می‌زد. چشمانم را بستم و سرم را روی زانو گذاشتم. همه جا تاریک شد...

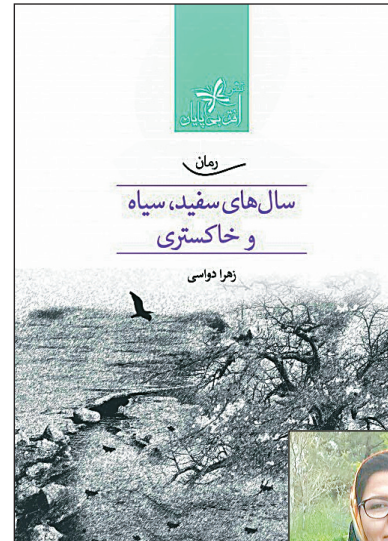
تا چند روزی جرات رفتن به کنار چشمه را نداشتم. فکرش از ذهنم بیرون نمی‌رفت. هم می‌ترسیدم و هم دلم می‌خواست یک بار دیگر ببینمش.

حس عجیبی داشتم. دلم می‌خواست با یکی درد دل کنم اما می‌ترسیدم.

یک هفته از آن روز گذشته بود. داشتم حیاط کوچکمان را آب و جارو می‌کردم که صدای در آمد. چادر گلدارم را از روی نردبان چوبی برداشتم و روی سرم انداختم. در را که باز کردم او را دیدم.

بسا همان لبخند زیبا. قلبم از جا کنده شد. دستانم یخ زد و پاهایم لرزید. نفهمیدم خودم را چطوری به آشپزخانه رساندم. مادرم گفت کی بود؟ چرا می‌لرزی؟

گفتم خودش است. همون پسره که گفتم. مادرم چادر روی سرش انداخت و رفت جلوی در. تا زمانی که برگردد قلبم داشت از حلقم بیرون می‌زد. وقتی آمد صورتش خندان بود....



صدای گنجشکان، بوی علف های خیس و صدای قل قل چشمه، همه برایم لذت بخش و گران بها بود. هر موقع دلم می‌گرفت می‌آمدم کنار چشمه ای که نزدیک خانه مان بود و کمی از آب شیرینش را که هیچ جا نمی‌شد پیدا کرد می‌خوردم و آرام می‌شدم.

کوزه را از آب چشمه پر کردم و به تخته سنگی که کنارش جا خوش کرده بود تکیه دادم. نگاهی به اطراف انداختم کسی را آن نزدیکی ها ندیدم.

چادر سفید گلدارم را از کمرم باز کردم و روی تخته سنگ نشستم. بعد کف دستانم را به هم چسباندم و مثل پیاله ای به زیر آب فرو بردم. در گودی کف دستم آب زلالی جمع شد آن را روی صورتم ریختم.

\*\*\*

رمان "سال های سفید، سیاه و خاکستری" نوشته زهرا دواسی توسط انتشارات افق بی پایان روانه بازار کتاب شده است. خانم دواسی در این رمان، قصه دختری را واکاوی می‌کند که تا رسیدن به دروازه های خوشبختی، تنها چند گام فاصله دارد، برای آنکه سقف آرزوهایش سپید همچون گل یاس شود؛ اما یک باره آسمان بر سرش آوار و گل آرزوهایش پرپر و زندگی اش سیاه می‌شود تا شاهد مرگ فرزندانش باشد. اما این پایان جهنمش نیست و باز هم اسیر درنده خویی زندگی می‌شود.

رمان زهرا دواسی، از زاویه دیگری می‌تواند درس عبرتی باشد برای انسان های ساده و بی‌آلشی که دنیا را از نگاه دیگران هم مثل خود می‌بینند.

این رمان بسیار ساده با خواننده ارتباط برقرار می‌کند و راوی قصه، لحظه های زندگی اش را به آرامی و صمیمانه نقل می‌کند تا همراهی شایسته برای انسان هایی باشند که در جستجوی خوشبختی هستند و امید به فردای بهتر دارند.

زهرا دواسی متولد مشهد است و در رشته کامپیوتر موفق به اخذ دیپلم شده است. در دوران تحصیل علاقه زیاد به نوشتن انشا باعث شد تا تشویق به قصه نویسی شود. نخستین قصه کوتاهش را با نام "لاکی وا" برای کودکان نوشت. پس از نوشتن تعداد

### امثال وحکم فارسی

## حکیم باشی را دراز کنید!

دکتر عبدالحمید حسین نیا - پزشک جراح

هیچ می‌دانید این ضرب المثل بالا از کجا آمده است؟

مهدی پرتوی آملی در کتاب امثال و حکم خود چنین آورده است: کریمخان زند، سرسلسله دودمان زندیه، مردی تنومند، بلند اندام، قوی هیکل و چهارشانه بود، شب ها مجلس عیش می‌بست و شادخواری می‌کرد و همین شب زنده داری ها و پرخوری ها در دوران کهولت سبب شد که غالباً اعتدال مزاج خود را از دست دهد و به بیماری گرفتار آید.

حکیم باشی، پزشک مخصوص او را بر بالین وی فراخواند. حکیم باشی پس از معاینه اش تشخیص ابتلای معده داد و بر طبق معمول و امکانات آن عصر و زمان، برای او یعنی پادشاه زند، اماله تجویز کرد.

شلاق زدن خانم دکتر جراح و بعد از ضرب و شتم پزشک اورژانس پردیس و بعد لت و پار کردن آن اتوپد پیرانشهر و این سلسله همچنان ادامه خواهد داشت.

کما این که اخیراً ما شاهد حمله های وحشیانه ای به پزشکان در بیمارستان سوسنگرد، در دشت آزادگان و حمله مسلحانه به پزشک اورژانس در بیمارستان جابهار بوده ایم و برنامه کتک خوردن پزشک متخصص داخلی در شهرستان بابل و جراح در شهر مرزی آستارا و احتمالاً این سناریو در بقیه شهرها همچنان ادامه دارد!



وکیل الرعایا آن خان لر و متعصب، چون از معنی خیردار شد، برآشفست و از خشم و خشونت فریاد برآورد که چه کسی باید اماله شود؟

حکیم باشی از ترس جانش گفت: «مرا باید اماله کنند قربان، تا حضرت تعالی بهبود حاصل فرمایند!» کریمخان که از دست حکیم باشی خشمگین بود، دستور داد دراز و اماله اش نمایند. از قضای روزگار، کریمخان بهبود یافت و پس از آن هر وقت پادشاه به این بیماری دچار می‌آمد، حکیم باشی را دراز می‌کردند و آن کار را تکرار می‌کردند. البته در مثال مناقشه نیست و این قیاس هم مع الفارق است که هر وقت این حضرات پزشک ستیز و پزشک آزار، هر جا که قافیه را تنگ می‌آورند، برای آن که تسکین یابند، دستور می‌دهند زمانی و مکانی یک حکیم باشی دراز به دراز کنند.

پس از آن واقعه ناگوار اردبیل و فرو کردن چاقو در قلب انکورلوزیست و بعد

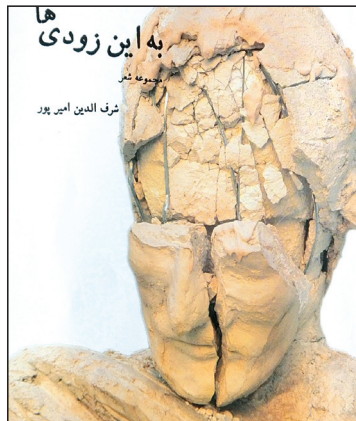




اکبر اکسیر

معرفی مجموعه رباعی و دوبیتی به این زودی‌ها/ شرف‌الدین امیرپور/ نشر نیلوفران/ ۱۳۹۵

## خیام که خواندی، همه را دور بریز!



ادبی کرده است.

شرف‌الدین، متولد ۱۳۵۹، برای چاپ این مجموعه از ویراستاری شاعر صمیمی خوزستان جناب عباس عبادی بهره‌برده و رضا چراغ چشم از هنرمندان گروه ادبی پاد، طرح روی جلد جالبی برایش رقم زده که تندیس کاهگلی انسان متفکر است. این مجموعه در دو بخش رباعی و دو بیت تنظیم شده که هر یک در حد خود جذاب و خواندنی هستند. به چند رباعی و دو بیت از شرف‌الدین امیرپور توجه فرمایید. با رباعیات آغاز می‌کنیم:

در بارش لحظه‌ها دو چشم‌مانم خیس  
انگشت به در زد حسی شاعر هیس!

بر صفحه روزگار نافرجامان  
با خط شکسته دل خود را بنویس

در شعر خودت شرابی از شراب و بریز! / تاریخ شدی به کام خود نور بریز! / اینقدر مناز به رباعیاتت / خیام که خواندی همه را دور بریز!

برعکس تمام عکس‌هایم هستم  
همدست همیشگی پایم هستم  
تو رفته ای و رسیده‌ای اما من  
هی می‌روم و هی سرجایم هستم

به روی لب چنان لبخند گنجشک  
نشسته روی شاخه چند گنجشک  
تو گویی کاشف کشف جدیدند  
دو کودک یکصدا گفتند: گنجشک

همه خنجر زدند از پشت ما را  
نباشد غیر گل در مشت ما را  
کجایی آهای مرگ گرامی!  
بی‌ساکه زندگانی کشت ما را

قدیمی بود با پیراهنی زرد  
نمی‌چرخید دیگر بالش از درد  
خودش را از سؤال سقف آویخت  
همین دیروز پنکه خودکشی کرد

برای شرف‌الدین امیرپور، سوار بر چهارچرخ  
رباعی و دو بیت، روزهای خوشی را آرزومندیم.  
هر چند به این زودی‌ها از این قالب‌ها دست بر  
ندارند و تن خیام و باباطاهر را درگور بلرزاند!



### دکتر محضر مشعق

پرویز بیگی حبیب آبادی

بخش شصت و نهم

ارادت من به این بزرگمرد تاریخ شعر و ادب معاصر {محمد حقوقی}، برمی‌گردد به زمانی که او در قهله ساکن بود و من در خیابان میرداماد زندگی می‌کردم. هر وقت فرصتی داشت، به خانه‌ام می‌آمد و دو سه ساعتی از خرمن اندوخته‌های او بهره می‌بردم. بدون مداخله عرض کنم، در محضر او زمان و مکان را از یاد می‌بردم و تمام وجودم سرشار از حرف‌ها و شعرهای زیبای او می‌شد. در دو سه سفر به اصفهان هم از خوان نعمت او بهره‌بردا. چه بسا شب‌ها که تا سپیده‌دم در منزل دوست فاضل آقای مصطفی کیانی می‌نشستیم و من از سخنان دلپذیر او لذت می‌بردم. اضافه کنم که منزل فاضل ارجمند مصطفی کیانی، مثل مهمان‌سرای بود که به روی اهل شعر و ادب همیشه باز بود و مکتبی برای اهل فضل بود. من در هر سفر، چه برای بازرسی مدارس و چه سفر تفریحی که به اصفهان می‌رفتم، در خانه او مهمان بودم. این مرد عزیز نیز از ارادتمندان استاد حقوقی بود. یادم هست که شبی در منزل او با هوشنگ گلشیری آشنا شدم. به هر حال هیچگاه محبت‌های استاد حقوقی را فراموش نمی‌کنم و سلامت و توفیق او را از خداوند بزرگ مسئلت دارم. راستی یادم رفت بگویم در اصفهان با شاعرانی صاحب نام از جمله دکتر سیاسی، صادق اصفهانی، نوای اصفهانی، خسرو احتشامی و جمعی دیگر دیدارهایی داشتم که برایم بسیار خاطره‌انگیز است.

\* از آشنایی خود با شاعر و پژوهشگر توانای معاصر جناب منوچهر آتشی بگوئید.

– وقتی سهراب سپهری برای ادامه تحصیل به تهران رفت، از جمله آثاری که به منظور آشنایی من با شعر نو از شاعران صاحب‌نام برایم می‌فرستاد، یکی هم از استاد عزیزم زنده‌یاد منوچهر آتشی بود. اشتیاق من برای دیدن او قابل وصف نیست. پس از اینکه از کاشان به تهران آمدم، همیشه مترصد بودم وقتی او نیز به تهران می‌آید، بتوانم او را ببینم. در بهمن سال ۱۳۴۲ برف سنگینی آمده بود و همه جا را سفیدپوش کرده بود. دوست شاعرم نصرت‌الله نوحیان به من تلفن کرد که منتظر باش که مهمانی عزیز را با خودم می‌آورم. ساعتی بعد نوح همراه جوانی خوش‌پوش و شاداب که همان منوچهر آتشی عزیز بود، به منزل آمد. من با سابقه‌ای که با خواندن آثار ارجمند داشتم، بسیار خوشحال شدم. این آغاز دیدار من با آن عزیز بود. بعدها که منوچهر به تهران منتقل شد، در هر فرصتی از محضر او بهره می‌بردم. او از جمله عزیزانی بود که به غزل‌های من توجه خاص داشت و به عنوان غزل‌سرای که سعی دارد در آثار خود نوآوری کند، مرا تشویق می‌کرد. صفحه شعر مجله تماشا در اختیار آتشی بود. یک بار در یک شماره حدود شش یا هفت، غزل مرا چاپ کرد و در مقدمه آن نوشت: «غزل‌سرای در اوج» و همین عنایت او نیرویی به من داد که بیشتر در زمینه غزل تلاش کنم. هیچ‌وقت یادم نمی‌رود که هر جا بر مجموعه غزلی مقدمه می‌نوشت، از من و آثارم یاد می‌کرد.

در ماه‌های آخر عمر بنا به پیشنهاد من و موافقت معاونت محترم امور هنری وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، روان‌شاد منوچهر آتشی از اول خرداد ۱۳۸۴ در شورا شعر به عنوان مشاور شروع به کار کرد که تا آخرین روزهای قبل از بستری شدن در بیمارستان، همکاری صمیمانه خود را ادامه داد. باید اضافه کنم که در این مدت روزهای شنبه به شورای شعر می‌آمد و با نهایت دقت و حوصله ترانه‌های رسیده به شورا را بررسی و ارزیابی می‌کرد و با اعضای شورا درباره ترانه‌ها به تبادل نظر می‌پرداخت. فراموش نمی‌کنم در آخرین جلسه‌ای که در شورا حضور داشت، هنگام خداحافظی گفت: قرار است در بیمارستان سینا بستری شوم. آن روز ۸۴/۷/۲۱ بود و خداحافظی او طور دیگری بود. در حال خداحافظی از اعضای شورا گفت که احتمالاً تومور کلیه دارد و باید یکی از کلیه‌هایش را بیرون بیاورند و از همگان برای سلامتی خود التماس دعا داشت.

ادامه دارد

### بررسی مکاتب موسیقی کلاسیک دنیا - ۸۱

## باخ می‌آید تا جاودانه بماند



احسان غلیباف

امروز نیز نگاه آدمی به هستی و هنر تغییر کند. گویی از فراز کانتات‌های باخ همچون دیگر فرم‌های استاد بزرگ، شکل واقعی کمال هنری رخ بنماید.

هنر کانتات‌های باخ شکل منحصر به فرد عالی‌ترین بیان حسی در کنار درک دقیق و درست او از هندسه و هارمونی و خوانش دقیق او از روح آدمی است. او به شکلی بی‌نظیر، هارمونی موسیقی و تقارن هندسی هرنغمه را با بالاترین شکل حسی هر میزان، می‌آمیزد.

عالی‌ترین و شفاف‌ترین اشکال بیان اصوات سازها و توان حنجره انسان را به درستی می‌داند و آنچه می‌خواهد شکل گیرد، به شکل دقیق نقطه‌ای است که اوج بیان صحیح و بی‌نقص ساز و صدای انسان است.



سرنویل مارینر، رهبر بی‌نظیر معاصر در اجرای آثار باخ و هندل



یوهان سباستین باخ ۱۶۸۵-۱۷۵۰

ف. هندل، بهترین انتخاب‌های بشر بودند. کانتات، یکی از ابزارهای خوبی و چه بسا در کنار کنسرتو و پاسیون و فوگ، بی‌نظیر ابزارهایی بودند که دست، دانش و نبوغ و دقت باخ و کنسرتو و اوراتوریو و موسیقی نمایشی، مناسبی در اختیار هندل گذاشتند تا زیباترین و متکامل‌ترین و عالی‌ترین بخش‌های هنر را برای معاصرین و همه آیندگان قرار دهند.

به قدری مؤثر، به قدری شگفت‌انگیز که نه تنها در دورانی که هیچ یک از ابزارهای ضبط و ثبت در اختیار بشر نبوده جز قلم و کاغذ برای انسان بی‌همتا شده بلکه پس از حدود سه قرن کماکان تلاش‌ها برای یافتن یک اثر و حتی یک صفحه پارتیتور (نت اثر و توضیحات کامل هر قطعه) ادامه دارد و انسان را به وجد می‌آورد. آنهم در زمانه‌ای که هر ساعت صدها قطعه (از انواع عالی تا سطحی‌ترین و بی‌ارزش‌ترین آثار) اجرا می‌شود که اغلب آنها حتی چند روز بعد هم فراموش می‌شوند.

آنچه در اختیار باخ قرار گرفت، به نام کانتات، بدون شک با تمام زیبایی و شکوه و جذباتی که تا آن دوره خاص یافته بود، در هزارتوهای ذهن و شکوه آفرینندگی باخ بزرگ، مبدل به قله‌های بسیار رفیع هنری شد که بتوان از فراز آن فراگرد و منظره‌ای آنچنان بالا، عظیم و جذاب را برای انسان ترسیم کند که سبب می‌شود



جرج فریدریش هندل ۱۶۸۵-۱۷۵۹

هنگامی که به تاریخ هنر طی ادوار مختلف آن نگرسته می‌شود، متوجه این واقعیات می‌توان شد که فرم و سبک‌های مختلف در موسیقی و نقاشی (تئاتر و ادبیات تاحلز یادی متفاوت از موسیقی و هنرهای تجسمی از این حیث) زمانی شکل گرفته‌اند که این احساس نیاز به وجود آمده که فرم‌های گذشته پاسخگوی آنچه می‌خواهد بیان شود، نیستند.

در عرصه موسیقی کلاسیک این نیاز و این ابداع همواره گونه‌ای از تکریم دستاوردهای گذشته را دارا بوده، به این اعتبار که به واقع تمام آنچه تا آن عصر به لحاظ امکانات و ظرافت مختلف تاریخی بوده، به کار گرفته می‌شود و فقط آنچه در حقیقت امر به آن نیاز است، اضافه می‌شود.

گاه این فرم از حیث کمی، امر مهمی است؛ مانند توسعه اعضای ارکستر و اضافه کردن نوازندگان مختلف؛ و گاه یک فرم سخت افزاری یا به عبارت دیگر یک بستر جدید برای صدا، فضا، سرعت، زمان اثر و پیچیده‌ترین بخش‌های آن چون ملودی و هارمونی‌های جدید، که هر یک مثال‌های مختلف در تاریخ موسیقی دارد.

برترین نمونه‌های دانش و نبوغ در استفاده از حداکثر ظرفیت‌های فرم‌های گذشته و ابداع کنندگان آنچه به آن نیاز بود برای تکامل موسیقی در موسیقیدانان بزرگی چون: کلودیومونته وردی/ بوکستهورده/ یوهان سباستین باخ/ کارل فیلپ/ امانوئل باخ/ جرج فریدریش هندل/ بود ویک و ن/ بتهوون/ واکنر/ گوستاو مالر/ آرنولد شوئنبرگ، طی حدود سه قرن می‌توان دید.

در خصوص این بزرگان موسیقی، هر یک نه در حد و اندازه عظیم‌شان ولی به هر روی تا آنجا که دانش و زمان در اختیارمان می‌گذارد، سخن گفته خواهد شد. اگر میراث هنری تاریخ هنر تا سال ۱۷۲۰ تقریباً قرار بود به شکلی ناگزیر فقط توسط دو آهنگساز به تاریخ بشر منتقل شود، بدون شک یوهان سباستین باخ و جرج



## نگاهی به یک ترانه قدیمی و ماندگار ۳-

## گرامافون شوهر دختر خاله ام...

خاصی داشتند. سید گرامافون را آورد و پدرم گفت به شهاب (برادر بزرگم) یاد بده چه جوری روشن و کوک می شود.



سید هم به برادرم یاد داد و آن را روشن کردند و صفحه ای روی آن گذاشتند که به محض بلند شدن صدای صفحه، پدرم گریه اش گرفت و گفت: «این صدا که گویا از سمت بهشت می آید، چرا مردم این طوری اند؟ مگر در جعبه به ایسن کوچکی، آدم جا می شود؟ این یک صنعت است، باید به کسانی که چنین دستگاهی اختراع کرده اند، احترام گذاشت.»

و بعد از آن حدود یک ماه، هر شب در خانه ما صدای موسیقی هایی از گرامافون پخش می شد و کم کم سر و صداها خوابید و بعد از مدتی مردم شروع به خریدن گرامافون کردند و در محله ما هم چندتایی خریداری شد.

استاد شهیدی در ادامه تعریف می کند: «من هم از روی همان صفحه های اولیه، کم کم علاقه مند و به تمرین مشغول شدم و یادم هست که نخستین صفحه هایی که گوش می کردم، مربوط به تاج اصفهانی، بدیع زاده، قمرالملوک

در دو شماره گذشته به شرح مختصری درباره گوشه هایی از زندگی و فعالیت استاد عبدالوهاب شهیدی پرداختیم، اما دلم نیامد از بخش های مربوط به خاطرات استاد شهیدی عبور کنم.

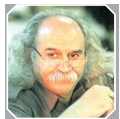
خاطراتی که او از حدود ۹۰ سال پیش در ذهن خود دارد. از دورانی که چهار پنج سالگی زندگی خود را پشت سر می گذاشت. او در بخشی از خاطرات آن دوران گفته است:

«خاطرم هست که دخترخاله ام شوهری داشت که اهل دل بود و رفته بود یک گرامافون معروف به «مسترز ویس»، یعنی صدای مادر، خریده بود و شب اول و دوم که در خانه اش آن را کوک و روشن کرده بود و صدای ساز و آواز آن بلند شده بود؛ اهالی محل در حیاط او یک تکه کاغذ انداخته بودند که اگر این سر و صداها باز هم تکرار شود خانه ات را آتش می زنیم.

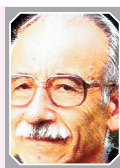
خلاصه در محل دهان به دهان پیچیده بود که «سید» یعنی همان شوهر دخترخاله ام یک جعبه آورده که شب ها که درس باز می شود، زنها از آن بیرون می آیند و آواز می خوانند! البته مردم محل ما این طور نبودند. همه این طور بودند، به خاطر این که تا آن روز از این نوع وسایل ندیده بودند.

طفلکی آقا سید هم خیلی ترسیده بود. آمد منزل ما. پدرم به او گفت: سید چی شده؟ چرا ترسیدی؟ سید گفت: اهل محل نامه نوشته اند که اگر این جعبه را از خانه ات بیرون نبری، خانه ات را آتش می زنیم. پدرم به او گفت: تنرس، من در روزنامه خواندم که وسیله ای به نام «گرامافون» آمده و من خیلی دوست دارم آن را ببینم، برو آن گرامافون را به خانه ما بیاور، تا من سر و صداها را ببخوابم.

می دانید که پدر من یک روحانی بود به نام میرزا حسن شهیدی ملقب به «صدرالاسلام» و متخلص به «طوبی». مردم محل هم به او ارادت



میرزا حسن شاهرودی

تئاتر منظوم و منظوم و منظوم  
حیاس پیمپتی شریف

## یار مهربان

هومن ظریف

امین پور، بازی و زنده دانستن اجزای دنیا توسط خردسال (شاعر) را اشتباه لطیف او می داند و توضیح می دهد و اذعان می کند که خردسال (شاعر)، خود را قطب کائنات می داند:

«کودک فیلسوفی است که جهان را به گونه ای که تجربه کرده است، درک می کند. خود را مرکز کائنات می داند و فکر می کند که هرچه در اطراف او سیر می کند و اتفاق می افتد، منحصراً برای لذت اوست. او انتظار دارد که بزرگترها همه چیز را دقیقاً همان طور که او می بیند، مشاهده کنند. اگر در جملات بالا کلمه «کودک» را برداریم و به جای آن «شاعر» بگذاریم، تفاوتی حاصل نخواهد شد و باز هم همه جملات درست خواهند بود.»

بر این اساس، نتیجه می گیرد که هر شاعری که در کودکی اش غرق باشد، شاعر تر است. قصیر امین پور در مقاله ارزشمند خود، محدوده «خردسالی» عمر انسان را همیشه پویا در روان انسان (شاعر) شناسانده است:

«بحث ما در مورد کودک و بازگشت شعر به کودکی مربوط به مرحله ای از کودکی است که از نظر پیازه و گاه دیگران تا هفت سالگی را در بر می گیرد. از قضا فروغ هم به این صورت آن را تایید می کند: ای هفت سالگی!

ای لحظه شگفت عزیزم

بعد از تو هرچه رفت، در انبوهی از جنون و جهالت رفت.

و شعر «کسی که مثل هیچ کس نیست»، یکی از روشن ترین جلوه های شاعرانه بازگشت به کودکی است که هم در ژرف ساخت و هم روساخت، سخت کودکانه می نماید...»

اما مراد قصیر امین پور، از تمرکز بر این محدوده سنی، از آن جهت است که توانایی عَرَضی خردسالان را برای بیان مسأله مورد نظرش، با اهمیت دانسته است. او در این زمینه به آندرو مالرو ارجاع داده است که:

« آندرو مالرو در باب تفاوت کودک و هنرمند می گوید: کودکان گرچه غالباً صاحب هنرند، ولی هنرمند نیستند. زیرا استعدادهایشان بر ایشان مسلط است و ایشان بر استعداد خویش مسلط نیستند.» امین پور در اثبات همپوشانگی مرحله «خردسالی» با «شور شاعری» همچنین گفته است: «مولوی نیز در فیه مافیه خود، از نوآوری های مدام خود را در همین کودکانگی می داند. زیرا در چشم کودک همه چیزهای هستی شگفتی را و حیرت آورند. همه چیز تازه است. از این رو سست که مولوی هم مانند عین القضات و سهروردی و ملاصدرا... در هر آنی، جانی تازه و جهانی تازه می یابد.»

«حق تعالی صبوتی (کودکی) بخشد پیران را از فضل خویش که صبیان [کودکان] از آن خبر ندارند. زیرا اصوت بدان سبب تازگی می آورد و بر می جهانند و می خنداند و آرزوی بازی می دهد که جهان را نو می بیند و ملول نشده است از جهان. چون این پیر جهان را نو می بیند، همچنان بازی اش آرزو کند.»

والبت دیدگاه قصیر امین پور در میان آرای و نظرات شاعران خردسال و کودک نیز گهگاه دیده شده است. به عنوان مثال، ناصر کشاورز همانند امین پور معتقد است که:

«انگار آدم بزرگ ها میل دارند به دنیای کودکی شان برگردند.

حالا اگر این میل به بازگشت را تا همان کودکی متوقف کنیم و نپردازیم به عقاید روان شناسانی چون یونگ که این مسأله را اصل می دانند... می توان جمع بندی کرد که به هر صورت این میل وجود دارد.

در شعر های بزرگسالان، بسیاری از ویژگی های کودکانه دیده می شود که شاعر به وسیله آنها از منطق علمی و حتی منطق بزرگسالانه شعر دور می شود، گریزی می زند و جهان را کودکانه و شاعرانه تر می بیند و با خود حقیقی اش، اشیاء و پدیده ها را تبیین می کند.»

ادامه دارد

## کفت و گویی با محمد علی اسلامی ندوشن

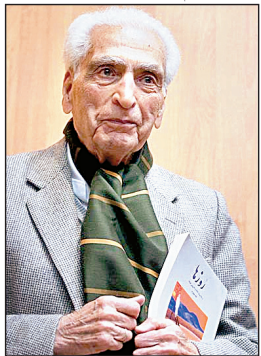


محمد علی اسلامی ندوشن

## نثر «کامو» شیرین تر از «سارتر» بود

بیشتر آنجا چه بحث هایی جریان داشت؟

— همه نوع بحثی پیش می آمد. افراد آزاد بودند و بحث های روز بیشتر جریان داشت. وقتی چند نفر در کافه می نشستیم، بیشتر بحث های اجتماعی



و مطبوعات و صحبت هایی از این قبیل بود. آن زمان، دانشجوی ایرانی در فرانسه زیاد بود و افراد بیشتر به طرف فرانسه می آمدند ولی بعد بیشتر به طرف

که این تا حدی سنت مدیریتانه است. در فرانسه، ایتالیا و... و همین طور در حاشیه مدیترانه این سنت یعنی سنت «آرام گرفتن در گوشه ای» یا به اصطلاح «کافه نشینی» باب شده بود. در حالی که در کشورهای دیگر، این به صورت عمومی وجود نداشت.

کافه نشینی برای شما جذابیت داشت؟

— بله، ما هم دنباله روی داشتیم از سنت موجودی که در فرانسه بود. وقتی در پاریس بودیم، ما هم گاهی با دوستان و آشنایان به کافه ها می رفتیم و آنجا می نشستیم. در منطقه دانشجویی کارتیه لاتن، که سوربن و نهادهای دانشجویی در اطراف آن است، کافه ها پر می شد. من هم گاهی سر می زدم و آنجا می نشستم، اما نه به طور منظم.

آن زمان من دانشجوی بودم. آن طور هم کافه نشین نبودم، اما گاهی پیش می آمد که آدم ساعتی را آنجا بگذرانم یا با دوستی قرار در کافه بگذارم و مدتی آنجا بنشینم.

## ادامه دارد

آمریکارفتند.

در ایران با فضای کافه ها آشنا بودید. تفاوت بارز کافه های تهران و پاریس چه بود؟

— در پاریس تعداد کافه ها خیلی بیشتر بود و در تهران فقط چند تا کافه بود که رونق داشت. بعد از شهریور ۱۳۲۰ بود که در تهران چند تا کافه رونق گرفته بود اما در پاریس کافه ها زمان زیادی است که برپا بوده و هستند. کافه فضایی است که آدم می تواند ساعتی را با دوستانش و یا تنها در آن بگذراند. اینجا گاهی رایج بوده و گاهی رایج نبوده، اما در پاریس این طور نبوده و نیست.

من زیاد هم به جلسات دانشجویی نمی رفتم. عصرها گاهی به باغ لوزامبورگ سری می زدم، باغ بسیار زیبایی بود. گاهی هم به تئاتر و سینما می رفتم.

آن زمان، ژان پل سارتر و آلبر کامو هم در اوج شهرت بودند. هر دو از مشهورترین نویسندگان فرانسه بودند. من قبل از اینکه به فرانسه بروم، کتاب «گریه» نوشته آلبر کامو را که به زبان فارسی ترجمه شده بود، خوانده بودم و بعد آن را به زبان فرانسه هم خواندم. به نظر من نثر کامو شیرین تر از سارتر بود.

شانه بالا انداز کم اعتنا، نوعی تیک داشت و در هنگام راه رفتن یک شانه اش را بالا می انداخت و خود را تکان می داد. عادت نوشتن حتی با حرکت انگشتانش بر روی میز رهایش نمی کرد.

نگاه کردنش، راه رفتنش و دست حرکت دادنش، هر چه بود خودش بود، نه تقلید و تصنع. در هم آمیختگی فرهنگ شرق و غرب در وجودش «سازشگری نامازگار» ساخته بود. از سویی شیفته کافکا بود و از سویی دیگر دلداه فرهنگ عامه، صریح و بی پروا سخن می گفت، تجددخواه بود و دلبسته ایران. اما دو چیز همواره رنجش می داد؛ ابتذال خواص و عوامیت عوام.

## کافه نشینی ادیبان و نویسندگان

ادامه از صفحه اول

با پشره ای سفید که سبزی خواری آن را بیرنگ کرده بود، و شانه های نحیف، چنین می نمود که بار قرون را بر پشت دارد: فرسوده، دلزده، حیران، بریده از همه باورها، تنها و لغزان بر زمین.

به گفته اسلامی ندوشن، صادق هدایت با آن صورت مثلی و چشم های عسلی و تنی لاغر، در میان اطرافیش شاخص بود. کم حرف می زد، با همان حالت





محمد پرومند

ادامه از صفحه اول

وی با ابراز خرسندی از انتشار این کتاب در مقطع کنونی گفت: بر اساس اعتقاد مردم مشهد، با وجودی که او مطرب دوره‌گردی بود پس از مرگ خود مورد لطف خاص امام رضا(ع) قرار گرفت و چنین دیدگاهی می‌تواند مورد توجه کسانی قرار گیرد که بر حرمت موسیقی تأکید دارند.

تمرین قرآن می‌داد. این کودک کسی نبود جز محمدرضا شجریان که در دوره کودکی‌اش هرکس صدای قرآن خواندن او را می‌شنید، میخکوب می‌شد. وی گفت: مردم مشهد برای جیگی جیگی روایت‌های زیادی ساخته‌اند. چرا که در فرهنگ فولکلور، مردم نظرات خود را وارد اتفاقات می‌کنند. روایت‌های گوناگونی که در مورد او وجود دارد، نشانگر اهمیت این شخصیت است. کیانیان ماجرای عجیب مرگ جیگی جیگی



را شاهکاری غریب دانست. چرا که او مطرب بود و به حرم امام رضا(ع) راهش نمی‌دادند، اما قسمت این شد که هرکس به زیارت رضا(ع) می‌رود، جیگی جیگی را هم زیارت کند. او را در نزدیکی سقاخانه دفن کردند و گویی آبی که مردم آنجا می‌خورند، از چشمه هنر جیگی جیگی، سرچشمه گرفته است.

این هنرمند مشهدی گفت: در شرایطی که تیراژ کتاب پایین و تعداد کتاب‌خوان‌ها کم است، چاپ چنین کتابی، اقدام ارزشمندی از سوی انتشارات تیساست.

#### رضا کیانیان و نسبتش با مطربان

در بخش دیگری از این مراسم، رضا کیانیان، هنرمند نام‌آشنا و مشهدی تئاتر، سینما و تلویزیون، در مورد خاطرات خود از جیگی جیگی سخن گفت.

وی توضیح داد: تصویری که از این شخصیت در ذهن دارم، متعلق به زمانی است که با پدرم به سینما می‌رفتم؛ در باغ ارگ مشهد که آن روزها پر از سینما بود.

کیانیان افزود: گاهی در رفت‌وآمدهایمان به این محله، جیگی جیگی را می‌دیدیم که ساز می‌زد و عروسک بزغاله‌اش را می‌رقصاند. این حرکت‌ها برای من بسیار جذاب بود.

به همین دلیل از پدرم می‌خواستیم که برای تماشای جیگی جیگی بایستیم و به او پول بدهیم.

این بازیگر در ادامه گفت: چند سال پیش در ماه رمضان، هیأتی از جوانان مرا دعوت کردند تا در مراسم آنها سخنرانی کنم که سخنرانی را نپذیرفتم، اما به هیأت‌شان رفتم. مراسم در سالن حجاب برگزار شده بود و تعدادی دختر و پسر، شبیه همان جوان‌هایی که در خیابان‌ها می‌بینیم، در کنار شخصیت‌هایی چون احمد مسجدجامعی و

## رونمایی از کتاب «جیگی جیگی ننه خانوم»، اثری از جنس فولکلور خراسان مطرب عشق عجب سازو نوایی دارد

محسن چینی‌فروشان، مدیر وقت کانون پرورش فکری، در آنجا حضور داشتند.

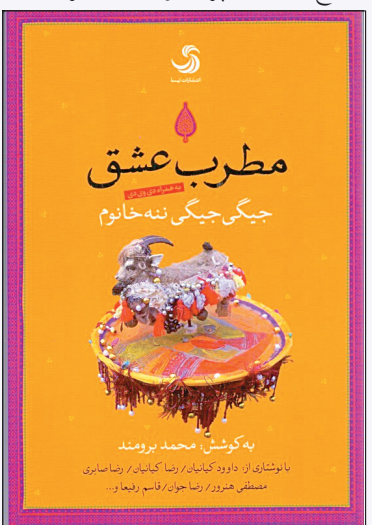
وی ادامه داد: برگزارکنندگان مراسم، باز هم از من خواستند پشت تریبون بروم و چند کلمه‌ای صحبت کنم. با توجه به جو مراسم، این بار پذیرفتم و از آنجا که در همان برنامه یاد جیگی جیگی افتاده بودم، تصمیم گرفتم در مورد او حرف بزنم.

کیانیان افزود: برای آنها گفتم تا حدود ۸۰ یا ۹۰ سال پیش، مردم مطرب‌ها را برای شاد کردن مهمانان خود به مراسمشان دعوت می‌کردند، اما فردای آن برنامه شادی، دیگر کسی جواب سلام آنان را نمی‌داد. تئاتری‌ها نیز مطرب محسوب می‌شوند. من هم نوه آن مطرب‌ها هستم و شما نوه همان‌ها که جواب سلام نمی‌دادند و جیگی جیگی، یکی از اجداد ما مطرب‌هاست.

کیانیان اضافه کرد: قسمت این بود که جیگی جیگی را جایی خاک کنند که هیچکس با هیچ قدرتی نمی‌تواند او را جابه‌جا کند. گویی امام رضا(ع) که ضامن آهو شده است، جایی ضامن مطرب‌ها نیز شده است.

در بخش دیگری از این برنامه، محمد برومند، کارگردان مشهدی تئاتر و گردآورنده کتاب گفت: کتاب «جیگی جیگی ننه خانوم» در مورد زندگی مطرب دوره‌گردی است که بیش از نیم قرن پیش در مشهد زندگی می‌کرد و اشعاری را برای شادی مردم می‌خواند.

علاوه بر تأثیری که هنر او در حافظه جمعی مردم خراسان برجای گذاشته، از داستان غریب مربوط به خاکسپاری او هنوز هم پس از ۵۰ سال به عنوان یک معجزه در میان مردم این خطه یاد می‌شود. داستانی که بر اساس آن پیکر او و مرد ثروتمندی که قرار بود در صحن حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک سپرده شود، با یکدیگر جابه‌جا



می‌شود. به این ترتیب پیکر جیگی جیگی ننه خانوم که در فقر و بی‌کسی از دنیا رفته و قرار بود در قبرستان عمومی و رایگان شهر دفن شود، در حرم مقدس آرام می‌گیرد و مرد ثروتمند به جای او دفن می‌شود.

بزرگان مذهبی شهر مشهد در آن زمان، این پیشامد را معجزه‌ای از سوی امام رضا (ع) قلمداد می‌کنند و اجازه نیش قبر را به خانواده متوفای ثروتمند نمی‌دهند.

در پایان برنامه، کتاب «جیگی جیگی ننه خانوم» با حضور اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر و داود و رضا کیانیان رونمایی شد.

رضا کیانیان در کنار امضای خود نوشت: «مطرب: رضا کیانیان»!



خاطرات اجتماعی استاد امین‌الله رشیدی  
در عرصه آواز و موسیقی

### یک عمر خاطره

ما سه برادر (امین‌الله، احسان‌الله و علی محمد) با همه بیماری‌های خطرناک و مرگ‌آفرین که گریبانگیرمان شد، جان سختی کردیم و از مهلکه امراض جان به در بردیم.

#### تنها یک طبیب

همانطور که در صفحه ۳۵ کتاب خاطره‌ها و نغمه‌هایم نوشته شده است، در همه گستره شهر کاشان و دهات اطراف آن فقط یک و بعداً دو دکتر به نام‌های دکتر حبیب‌الله خان - بدون نام فامیلی - و دکتر میرزا حسین سلطان (سلطان‌الحکما) طبابت می‌کردند. البته در اواخر دوره رضا شاه چند طبیب دیگر هم آقایان دکتر برجیس و دکتر بکاشی به اینها اضافه شدند (و حالا ملاحظه فرمایید که به یمن تحصیلات عالیه دانشگاهی، در داخل و خارج، چه تعداد دکتر و پروفیسور داریم در این راه به تولید انبوه رسیده‌ایم؛ به طوری که طبق آمارهای رسمی، در حدود سی‌هزار دکتر بیکار در کشور ما وجود دارند!)

در آن زمان داروهای تجویز شده برای بیماران از جانب آن دو طبیب نامبرده، همان داروهای گیاهی و سنتی امثال عناب، بنفشه، پر سیاوش، اسطوخودوس، خار خسک، سه پستان، گل گاوزبان، شیر خشک و... بودند که اکثر خانواده‌ها نام این داروها و خواصشان را خود به خود می‌دانستند و در موقع بیماری بچه‌هاشان بدون مراجعه به دکتر، به طور خودسرانه - خودجوش! - آن داروها را از دکان‌های عطاری زیر گذر تهیه و به مریض بدبخت می‌خوراندند که در آن صورت هم دو حالت داشت؛ یا بیمار جان می‌برد و یا جان می‌بخت.

البته هنوز هم آن سنت طبابت و تجویز دارو از پیش خود، در کشور عزیز ما رایج است و اکثر ایرانیان، از عارف و عامی در تمام رشته‌ها اعم از پزشکی و اقتصادی و اجتماعی، بدون اینکه تحصیلاتی در آن زمینه‌ها داشته باشند، خود را متخصص و کارشناس می‌دانند و چه کارها که از این راه دست خود و دیگران نمی‌دهند.

یکی از مظاهر آشکار در موارد فوق، فی‌المثل موضوع تصادفات رانندگی است. شما با راه‌پایه‌ای که دو وسیله نقلیه در خیابان‌های شلوغ تهران به هم می‌خورند و تصادف می‌کنند. آقا، یک دفعه می‌بینید که قریب دو هزار نفر آدم بیکار در آن شلوغی و ترافیک، آن دو اتومبیل را احاطه کرده و به اظهار نظر و داوری می‌پردازند که تقصیر با کدام راننده است. ساعت‌ها خیابان را بند می‌آورند تا احتمالاً کارشناس راهنمایی و رانندگی از راه در رسند و جماعت بیکار را متفرق کنند!

یا مهمانی‌ها و سینماها و مراکز اجتماعی همدیگر را می‌بینند، می‌پسندند و با هم قرار و مدارهای آنچنانی در کافه تریا می‌گذارند و البته آنها که هنوز پای بند اصول و ضوابطی هر چند سنتی هستند، بعد از دیدارهای مقدماتی با پدر و مادر خود به‌منظور خواستگاری به‌خانه پدر دختر می‌روند. اگر توافق حاصل شد، در جلسات بعدی مراسم نامزدی به‌عمل می‌آید و عروس و دامادهای آینده روزها و ماه‌ها آمد و شد دارند، به گردش و سینما می‌روند و گاهی هم شب‌های جمعه به کوه‌پیمایی می‌روند که تا صبح طول می‌کشد و این از دو حال خارج نیست.

۱- یا بسر اثر مرور و زمان آمد و رفت و معاشرت‌ها، دیگر برای هم ناشناخته نیستند و به‌قول معروف از جیک و پوک و اخلاق یکدیگر خبردار می‌شوند و برای هم تازگی ندارند که امکان دارد با مسئله‌ای به‌نام سردی روبرو شوند و نتیجتاً نامزدی بهم بخورد... ۲- یا در اثر این آمدن و رفتن‌ها، کم‌کم ارتباط عاطفی و عادت با هم بودن برقرار و منجر به ازدواج می‌شود و آن‌طور که مشاهده می‌کنیم در این دوره و انفساً، نوع اول بیشتر مصداق دارد. به‌قول قدیمی‌ها: باید تا تنور داغ است، نان به دو چسباند. البته در مورد دوم، حسن قضیه در این است که هندوانه را به‌شرط چاقو خریده‌اند!

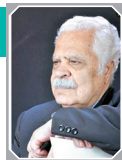
ادامه دارد





نگاهی بر مجموعه شعر «آدم از کدام فصل به زمین افتاد»، سروده فرناز جعفرزادگان

## شعری هوشمندانه، همراه با خرد و زندگی



امیر فخری

مسئولیت سوق می دهند را می توانید در این اشعار هم جستجو کنید: ۴-۷-۱۰-۱۳-۱۷-۲۱

شعر شماره ۷:

ما امضاییم  
خط می خوریم در خود  
گاهی امضا  
طناب داری می شود  
که سرنوشت را  
در خود  
خفه می کند

شاعر به خاطر دید اجتماعی که دارد و پلشتی های جامعه را تصویر می کند، کمتر به مفهوم عشق و واله گی و شیدایی پرداخته است. از آن همه عشق فکر می کنم عشق به مردم را انتخاب کرده باشد. به این زیبایی که در این شعر مستتر است، توجه کنید و لطافت رمانتیک وار آن را...

شعر شماره ۳۱:

پرنده ای است  
پرنده ای  
که در خواب همه اشاره ها  
لانه کرده  
پرنده ای که  
در قفس های بنفش  
برای ما

آوازهای آبی می خواند

و همچنین شعرهای ۲۴-۴۱-۵۱ را فراموش نکنید. نوستالژی خستگی و بیهودگی در آن فریادها دارد.

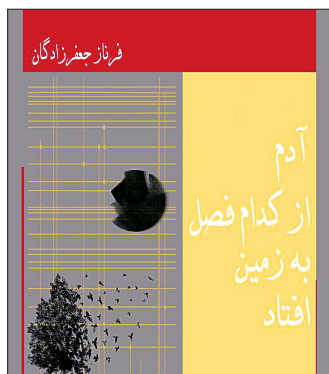
یأس فلسفی-نهیلیسم و بیهودگی چیزهایی نیستند که دست از دامن یک شاعر اصیل بدارند. همیشه شاعر با خودش در جدال است و همیشه به چارها می اندیشد و خود را اسیر چرخه ای می بیند که به شب و روز شکل می دهد.

شعر شماره ۴۰:

در این گرگ و میش  
مدام  
دام می چپند  
گرگم به هوا را  
دیگر هوایی نیست  
مدار راست  
داری است  
برگردن روزها

آینده شعری این سرزمین، بی گمان از آن شاعرانی چون فرناز جعفرزادگان است. شرط آن را خود بهتر می داند؛ ممارست و ناامید نشدن.

شیراز ۱۲-مرداد ۹۵



زنی  
بخت خود را  
آگهی کرده  
جار می زند  
میان این همه هنجارِ خیابان های هیز  
آقایان  
خلدحافظ  
دیگر دستان شما  
سقفی نمی شود  
تا گره ای کور را  
از روسری باز کند  
و یا شعر شماره ۴۹:  
زخم ها  
آدم های کوچکی  
که یکی یکی  
دهان باز کردند  
آدم ها  
چشم ها ی بسته ای  
که تو را  
کم کم از یاد بردند  
...

به گمان، شعرهای ۶-۱۱-۱۸-۲۳-۳۵-۳۶-۳۷-۳۸-۳۹-۴۵-۴۸ نیز در این ژانر قرار می گیرند؛ اما شعر های فرناز جعفرزادگان سرشار از مسئولیت و تعهد است. دلیری خاصی در مفهوم اشعار نهفته است. به چند نمونه از این اشعار توجه کنید. مخصوصاً به این شعر که به کاریکلماتور نزدیک است.

شعر شماره ۴:

زخم خیابان  
همیشه  
بردوش عابری ست  
که عربانی درخت  
و پرواز کلاغ را  
می داند

مضامین زیبایی که شاعر را به طرف تعهد و

جادویی در کلام فرناز جعفرزادگان است که آدم را جذب می کند. شعر او هوشمندانه، همراه با خرد و زندگی است. شعرها در مرحله اول ساده به نظر می رسند، اما همان واژگان به ظاهر ساده، انسان را به طرف هنر ناب و یک نوع جادو رهنمون می سازد.

ایجاز در شعرها پدید می کند. تمام بار اندیشگانی شعر، توسط واژه به خواننده آگاه منتقل می شود و آدمی را سرشار می کند. سرشار از لذتی ناب و تجربه نشده. و این گونه است که شعر اصیل، زاده می شود؛ آن هم از سرچشمه ای زاینده.

تکامل در اشعار فرناز جعفرزادگان، به خوبی آشکار است. در کتاب پیشین، اشعار خوب بودند اما این همه عمق و درد در آنها نبود. انگار که شاعر در فضای دیگری تنفس کند. فضایی که با شعر ناب پهلوی می زند. کافی است که انسان عمق ماجرا را احساس کند. احساس کند که هدف شاعر، تشخیص دادن به واژگان است تا از خلال معانی آنها منظور خود را برساند و بیان کند.

با کمی تفکر و تعمق در اشعار به چند نکته مهم بر می خوریم؛ که مهمتر از همه، دردهای جامعه را دیدن و آنها را در مقابل دید خواننده گذاشتن است. قاعده تاً شعر بانوان سرشار از حدیث نفس است، اما از میان پنجاه و یک شعر به چهارده شعر بر می خوریم که شاعر عمیقاً به درد های خویش پرداخته است. کلام پر از گله و شکایت از روزگاری است که باید باشد و نیست و نهایتاً شاعر را دچار اندوه می سازد. و این دلگیری را استادانه با ما در میان می گذارد تا سهمی از آن همه خستگی را به ما نیز بپردازد.

شعر شماره ۱۶:

تمام راه  
کرگدن ها  
پوست خواب را کشیدند  
کرگدن هایی  
که خطوط را گم کردند  
و تو  
هم رنگ آنها پوست انداختی  
خواب پرید  
تنها  
کرگدنی کوچک  
در کف دستم جا مانده بود  
می بینید که شعر خاصیت آن را دارد که به درون انسان نقب بزند و منظور خود را عیان سازد و ما را متوجه چیزی کند که با آن دست به گریبانیم و یا جرات ابراز آن را نداریم و یا توانایی سرودن آن را در شعر بیست و دو زنی خسته از این همه حصار و محدودیت، خود را فریاد می کشد تا بلکه گوشش بتواند باز و بازتر شود تا بهتر بشنود.

با شاعران امروز



(۱)

صورتی را در شعری جا گذاشته ام  
که سالهاست ننوشته ام  
و هنوز سراغ خودم را  
از خودم می گیرم  
بی آنکه حتی کسی نامم را شنیده باشد!  
هر روز صورتی را توی روزنامه می پیچم  
به خیابان می برم  
به آخرین قرار ملاقات مان  
مرگ  
اما از من  
معشوقه ای ساخته  
با صورت استخوانی  
که جوانی ام را  
هیچ عکسی به جا نمی آورد

(۲)

روی تخت سرد سردخانه  
دراز می کشم  
و به ابعاد تنم فکر می کنم  
که چگونه در قبر جای می گیرد  
با این همه زخم  
مگر می توانند جنازه ام را کفن کنند؟  
سفید  
چقدر به صورتم می آید  
وقتی مرگ  
دور گردنم می پیچد  
و دستم از دنیا کوتاه می شود  
دستم از دست های تو...  
میان تولد تا مرگ  
میان اتاق زایمان تا سردخانه  
یک طبقه فاصله است  
و میان تن من  
تا تو  
یک لحد...

(۳)

کنار خودم می ایستم  
با خودم عکس یادگاری می گیرم  
پیش از آنکه  
مرگ  
در عکس ها تکثیر شود  
و یادم نیاید  
درد  
کجای صورتم پنهان شده

(۴)

مثل زنی که خوشبخت نیست  
حرف می زنم  
و به خانه می رسم  
ادای صورتم را در می آورم  
انگار که هیچ چیز خوب نیست  
و آینه فقط برگردان غم است  
رفتار خانه را تقلید می کنم  
تنها...ساکت...تاریک  
منتظر نیستم کسی بیاید  
و زنی که دارد و یار حاملگی اش را  
بالا می آورد  
فکر می کند به اینکه  
چند نفر در دنیا  
دارند رفتارش را تقلید می کنند!

## رهایی

ترنم شهباز

رهایت می کنم، باید که پایان خودت باشی  
رها چون باد، چون موی پریشان خودت باشی  
همه دیوارهای خانه خالی، عاشق این اند:  
شبی توی اتاق خویش مهمان خودت باشی  
خدای خودشوی، پیغمبر خود باشی و نازل کنی خود را  
چه حالی می دهد وقتی مسلمان خودت باشی  
چنان که ابرها سایه به سایه در پی ات بودند  
نترس ای خوب! می خواهند باران خودت باشی  
پیاده رو شدن، آن قدرها هم کار سختی نیست  
نگاهم کن، فقط کافی است از آن خودت باشی  
مرا گنجشک ها، بن بست ها، حتی سپوران هم  
قسم دادند بگذارم خیابان خودت باشی  
تو هم در حسرت دستی که رفت از دست خواهی ماند  
اگر مانند من در فکر دستان خودت باشی  
سرت را از خیال شانه های شهر خالی کن  
مقدر گشته در این شهر پایان خودت باشی

## یک غزل

امیر دادویی

یک غزل از یک رباعی بوسه پنهان می گرفت  
چتر خود را باز کردم، باز باران می گرفت  
با حضور «غوک» مرده در کنار جوی آب  
وحشت تنهایی مرداب هم جان می گرفت  
یک قناری شاهد آواز تلخ ماجراست  
او سراغ نعلش جفتش در بیابان می گرفت  
باد هم در کوچه بید پیسر را تهدید کرد  
اعتراف از شمع دانی های بی جان می گرفت  
سنگ های کودکی بر شیروانی های داغ  
گره من توله هایش را به دندان می گرفت  
او پک تلخی به سیگارش زد و...خندید باز  
پیرمرد قصه ها از مرگ تاوان می گرفت  
چشم های پیرمرد، آرام و غمگین بسته شد  
در میان قهوه خانه... قصه پایان می گرفت

اندوه

الینا نریمان

صورتم رنج می کشد  
دست هایم  
حتی انگشت های پاهایم رنج می کشند  
که تو را گم کرده ام  
هر کسی اندوه را می شناسد  
هرگز در آینه تماشا نمی کند.

تنهایی

برای تنهایی ام  
در کافه ای  
میزی رزرو کرده ام  
این سوی میز منم  
آن طرف، زنی که بی شک  
عاقل نیست!





## پیتزا با پول اضافه!

بحث اصلی ما پیتزا نیست. تیر مطلب گولتان زنند! می خواهیم کمی بیشتر راجع به این دم و دستگاه های کارخان موسوم به «POS» نصب شده در مغازه ها و مراکز فروش، برای بار چندم صحبت کنیم که نمی دانیم فرهنگستان زبان و ادب پارسی، دقیقا به جای آن چه کلمه کوتاهی را گذاشته است. بعید می دانم شما هم بدانید!

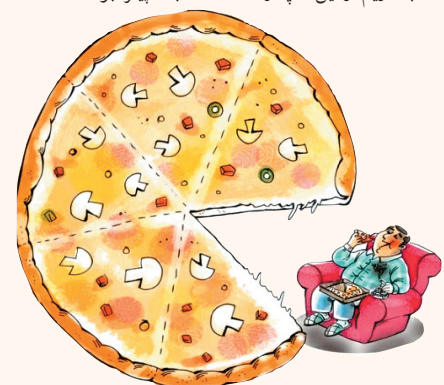
– بعید ندانید... گذاشته است: «پایانه پرداخت الکترونیک»!

– آها... چه کوتاه هم هست!

– خب شما اگر حال و حوصله نداری، بگو: دستگاه کارخوان!

– آها... این شد. و گرنه اسم قبلی مثل اسم یکی از خیابان های تهران است که تا می آید به راننده تاکسی بگویند، می بینید که رفته است. خیابان فخرالدین اسعد گرگانی!

بگذریم از این گپ و گفت. صحبت پیتزا بود.



بعدش صحبت دستگاه کارخوان شد. حالا می خواهیم زلف این هر دو موضوع را به هم گره بزنیم. البته متهم اصلی، یک کسی دیگر است که این کار را کرده و در اصل ما بی تقصیریم. عنایت بفرمایید به اصل ماجرا:

**خبر وارده:** «صاحب یک پیتزافروشی، ۵۷۰ میلیون تومان از حساب مشتری هایش سرقت کرده است. از وی که همراه همدمش دستگیر شده است، یک دستگاه گنج یاب نیز کشف شده است.» به نقل از جراید

شما را به خدا می بیند؟... آدم از دست بعضی ها که مدام به فکر سرکشی کردن دیگران – یعنی همونعان و هموطنان خودشان – هستند؛ گاهی با خیال راحت و با کمال میل، نمی تواند یک لقمه پیتزای ناقابل بخورد. وای به وقتی که سس اضافه هم بخواد یا یک لیوان نوشابه هم طلب کند. لابد بابت هر کدام، یک پول دیگری از حسابش به سرقت می رود. پیتزای مخلوط یعنی این: پیتزا همراه با سرقت پول!

**بسته پیشنهادی:** چون نگارنده نیز خود یکی از طرفداران استفاده از کارت به جای پول نقد است و گاهی برای خرید یک آدامس هم کارت می کشد؛ اینرو نکاتی را برای کاهش آسیب های این دستگاه ها مجبور است عرض کند که می کند:

**۱- نصب درست:** باور کنید هیچ کاری ندارد. مأموری که دستگاه کارخوان را می آورد نصب کند، جایی نصب کند که دست مشتری مغازه و فروشگاه به آن برسد. پشت سر فروشنده و صاحب مغازه نصب نشود که فقط دست خودش به آن برسد و دست مشتری کوتاه باشد و دستگاه بر نخیز!

**۲- اعزام بازرس:** اگر عزم مسئولان این امر واقعا جدی باشد و با این مسأله به شوخی برخورد نکنند؛ علاجش اعزام چهار تا بازرس به مغازه ها و فروشگاه های سطح شهر است.

یک دقیقه داخل مغازه باشند، خودشان با همین دو چشم خودشان می بینند که چطور، صاحب مغازه از مشتری می خواهد که کارتش را به او بدهد و سپس از بنده خدا می خواهد که رمز کارتش را هم بدهد. طرف با رودربایستی تقدیم می کند. تازه گاهی صاحب مغازه در خصوص رمز صاحب کارت هم اظهار نظر می کند که مثلا خوب نیست این رمز، عوض کن!

**۳- جمع آوری:** چون از برخی دستگاه های کارخوان یا همان پایانه های پرداخت الکترونیک، سوء استفاده می شود؛ مسئولان عزیز، در یک حرکت فوری و عاجل، اقدام به جمع آوری این دستگاه ها از پشت... ببخشید، از روی میز و طاوچه مغازه ها کنند. آخیش شش... این راهکار چقدر سهل الوصول و راحت است! اصلا از طلا گشتن پشیمان گشته ایم. به قول کلاه مخملی ها: «آکه ما تکنولوژی و فناوری (فوت و فن آوری) اش رو از بیخ و بن نخوایم، دم کی رو باس ببینیم عزیز؟»



بخش دوم

## نکاتی چند درباره خنده، طنز و نصرالدین

اردیبهشت ۱۳۵۰ نشریه پیام یونسکو (Courier) کاملا به نصرالدین اختصاص یافته و در آن مقالات متعددی از جمله از ایوان سب آمده است.

حکیم طوس نیز در گوشه و کنار حماسه عظیم خویش نشان داده است که در کار طنزپردازی و به خصوص سخنان جدی را در جامعه ساده لوحی عرضه کردن نیز استاد است.

از جمله در حکایت زیر حکیم طنز و حکمت را به زیبایی در هم آمیخته است:

پیران ویسه کیخسرو را در لباس چوپانی نزد افراسیاب می برد افراسیاب بدگمان می شود که مبادا این چوپان یک شاهزاده ایرانی باشد و برای آزمون از او پرسش هایی می کند و پاسخ هایی می شنود.

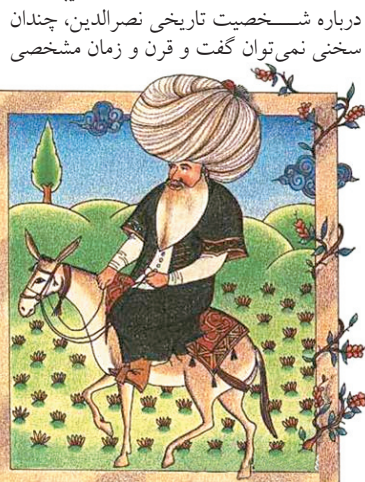
کیخسرو در این پاسخ ها خود را به نادانی و ساده لوحی می زند چنانکه افراسیاب یکسره از او ناامید می شود و او را همان شبان و دشتیان می پندارد در این پاسخ ها نشانی از ساده لوحی و نابخردی های خردمندانه ملانصرالدین احساس می شود:

بدو گفت کای نورسیده شبان چه آگاهی است ز روز و شبان چنین داد پاسخ که نخجیر نیست مرا خود کمان و زه و تیر نیست بپرسید بازش از آموزگار ز نیک و بد گردش روزگار بدو گفت جایی که باشد پلنگ بگذرد دل مردم تیز چنگ سه دیگر بپرسیدش از مام و باب از آرام و از شهر و از خورد و خواب چنین داد پاسخ که در کوه شیر نیارد سنگ کارزاری به زیر بدو گفت از ایدر به ایران شوی به نزدیک شاه دلیران شوی؟ چنین داد پاسخ که بر کوه دشت سواری پرندوش بر من گذشت بخندید شاه و چو گل برشکفت به نرمی به کیخسرو آنگاه گفت نخواهی دبیری تو آموختن ز دشمن نخواهی تو کین توختن؟ بدو گفت در شیر روغن نماند شبان را بخوام من از دشت راند سپس افراسیاب رو به پیران می کند و خرسندی خود را از ساده لوحی شبان چنین بیان می کند:

بدو گفت کاین دل ندارد به جای ز سر پرسش اش پاسخ آرد ز پای اما افراسیاب غافل است که همین چوپان نمای ساده لوح در پرده خبر می دهد که وقتی در شیر روغن نماند، چوپان را باید از دشت بیرون کرد. و آن چوپان افراسیاب است که به سبب ظلم و جور او روغن از شیر رخت بر بسته و برکت از همه چیز هارفته است. ضمنا در پرده اشاره می کند که اوست همان کسی که شبان خیانت پیشه را از دشت خواهد راند.

از به سگ داد آن همه تاسگ بخورد آن یکی گفتش که هر گز این که کرد از چنین شاهی نداری آگهی؟ چون طعام او سگان را می دهی؟ این چنین بی حرمتی کردن خطاست کار بی حرمت نباید هیچ راست گفت بهلولش خموش ای جمله پوست گر بداند سگان کاین آن اوست سر به سوی او نبردی به سنگ یغلم الله گر بخورد ندی ز ننگ درباره شخصیت تاریخی نصرالدین، چندان سخنی نمی توان گفت و قرن و زمان مشخصی

نیز نمی توان برای زندگی او تعیین کرد. آنچه می دانیم این است که در اواخر قرن اول هجری، نامی از جحا برده شده و نیز در قرون سوم و چهارم و قرون بعد، شخصیت های گوناگون چون فرخی و غیره از او نام برده یا لطیفه ای نقل کرده اند. در دنیای عرب زبان، او را جوحی و جحا می نامند و ترکان که نصرالدین را از دیار خود می شمارند و شاید بیشترین کتاب را درباره او نوشته اند؛ او را جحا که تغییر شکلی از همان جحاست نامیده اند و گاه نیز ملا را خوجه و خواجه خوانده اند که لقب کلی بزرگان بوده است؛ مانند خواجه نصیرالدین طوسی و خواجه نظام الملک و غیره.



ملانصرالدین در هند و در چین و کشورهای خاور دور نیز شخصیتی شناخته شده است و لطیفه های بسیاری به نام او میان مردم رواج دارد.

اروپاییان نیز شخصیت جالب نصرالدین را مورد بررسی قرار داده و مقالات و کتاب هایی درباره او و طنز خاص و ظریف او منتشر کرده اند. ایوان سب (Ivan Sep) از نویسندگان و منتقدان یوگسلاوی رساله دکتری اش را درباره ملانصرالدین نگاشته و نیز مقالات متعددی از اروپاییان درباره شخصیت نصرالدین و نقد و تحلیل طنز او آمده است که از جمله بهترین این مقالات مقاله ای است تحت عنوان «جحا نصرالدین» (Nasr al-Hoaja The eddin) به قلم آلبرت وروی (Albert Wervy) که در آن مقایسه ای بین طنز نصرالدین و «جغد عینکی» مذکور آمده است و همچنین شماره

ادریس شاه از نویسندگان معاصر هندی، نصرالدین را صوفی دانسته و شوخی های او را مانند داستان های عطار و مولانا گنجینه بینش های عرفانی و اخلاقی شمرده است. وی معتقد است که اگر کسی هفت لطیفه از نصرالدین را بشنود و یا بخواند، به بیش تازه ای در زندگی دست خواهد یافت.

ادریس شاه چندین کتاب درباره داستان های صوفیان نگاشته و چندین اثر نیز به لطیفه های نصرالدین اختصاص داده که از جمله یکی کتاب «زیرکی های ملانصرالدین» است که در حقیقت شماری از لطیفه های نصرالدین را در آن شرح عرفانی و اجتماعی کرده است.

او همچنین کتاب های دیگری با عناوین «شیرین کاری های ملانصرالدین» و «ماجراهای بی نظیر ملا نصرالدین» به زبان انگلیسی نگاشته است که همه در میان مردم انگلیسی زبان رواج و محبوبیتی دارند.

یکی از حکمای باستانی گفته است: هیچ سخن سنگین و ارزنده ای نیست که قابل طنز و هزل نباشد و هیچ هزلی و مطایبه ارزنده ای نیست که نتوان آن را امری جدی و قابل بحث دانست.

شاعران بزرگ ما چون سنائی و عطار و مولانا نیز نه تنها همین عقیده را داشته اند بلکه عملا ژرف ترین اندیشه های خود را با طنز آمیخته اند و طنزها و لطیفه های خود را سخن جدی شمرده اند چنانکه سنائی گفت:

هزل من هزل نیست تعلیم است

بیت من بیت نیست اقلیم است (حدیقه الحقیقه)

و مولانا به پیروی از سنائی گفته است:

هزل تعلیم است آن را جد شنو

هین مشو بر ظاهر هر نقش گرو (مثنوی)

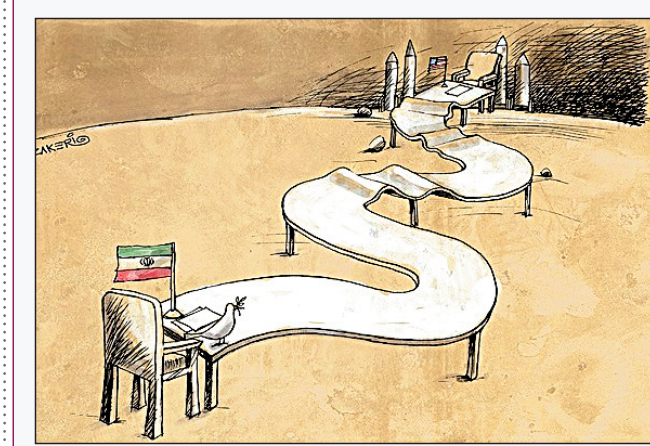
این بحث، خود می تواند موضوع کتابی باشد که چگونه شاعران و نویسندگان جهان در نقاب هزل و شوخی و مزاح و کمدی، جدی ترین سخنان خود را عرضه کرده اند و به خصوص در مورد شکسپیر، برخی منتقدان گفته اند که بعضی از کمدی های او عمیق تر از سوگنامه های او است.

در این جا ما دو داستان دیگر از عطار نیشابوری را که نمونه برجسته از این نوع شوخی های جدی است، می آوریم:

**دزد و درویش**

بود درویشی یکی خانه تهی دزد در شد یافت درویش آگهی کرد بسیاری طلب تا هیچ دست هیچ جز بادش نمی آمد به دست کرد صد لاجول کار خویش را خنده آمد زان سبب درویش را دزد گفتش: با چنین خانه ی تهی خنده چون می آیدت بس ابله ی با چنین خانه که در عالم کم است نیست جای خنده جای ماتم است

**طعام پادشاه و سگان**  
بامدادی شهریار شادکام داد بهلول ستمکش را طعام



علیرضا ذاکری



\*متولد ۱۳۴۷ - علی آباد گرگان

\*آغاز طراحی و نقاشی به صورت آزاد- ۱۳۶۲

\*شروع طراحی و نقاشی به صورت آکادمیک - ۱۳۶۸

\*خوشنویسی و ابداع شیوه ای نو در خلق آثار گرافیک

\*طراحی بیش از ۳۰۰ جلد کتاب در عرصه ادبیات دفاع

مقدس و انقلاب

\*همکاری با مطبوعات کشور در حوزه کاریکاتور و

تصویر سازی



